

خانم مهربان

مقدمه:

انقلاب و قیام و حرکت موفق یک امت، بهترین و ارزنده ترین مربی و آموزگار دل‌های آماده تربیت است. نهضت و قیام رهایی بخش، نقش اساسی در تربیت اجتماعی دارد، ترس و زبونی ها را از دل میلیون‌ها انسان می‌شوید و شجاعت و دل‌آوری و شهادت طلبی را به همه می‌آموزد. کدام عامل تربیتی این همه قدرت جذب و سازندگی دارد؟ و در کدام کلاس به وسعت همه کشور آزادمان می‌توان به تبلیغ و ارشاد مغزها پرداخت؟

آری به راستی نعمت انقلاب، از بزرگترین نعمت‌های الهی و حرکت انقلاب از بزرگترین عوامل تربیتی به شمار می‌آید که درود خدا بر فرزند راستین علی(ع) امام فقید امت اسلامی و رهروان پاکشان و امام حاضر در صحنه زمان ما رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای که به حق از شاگردان راستین بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهرو راهشان می‌باشند و از آنجایی که ایشان نیز برای هوشیاری هر چه بیشتر مردم فرمودند تهاجم فرهنگی، بی‌رحمانه تر و ظالمانه تر از تهاجم نظامی است، هر آینه مردم را به بیداری و انسجام بیشتری دعوت می‌نمایند. چرا که اساس و بنیاد غرب مبنی بر استحاله فرهنگی و بیگانه ساختن ملت‌ها با باورها و ارزشهای دینی و ملی خویش، از طریق بمبارانهای مدام تبلیغی و خبری می‌باشد و حال که غرب جهت ایجاد خدشه در روابط ملل اسلامی و ممانعت از اتحاد کشورهای مسلمان و تحمیل الگوهای رفتاری خویش بر

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۰۵

جهان سوم، نشر منکرات و گسترش اعتیاد در جهان سوم، کنترل و ایجاد محدودیت در رشد توان علمی و تکنولوژیکی کشورها و تحقیر ملت‌ها و دامن زدن به اختلافات قومی و تهی نمودن بنیه عملی کشورهای جهان سوم و رو به توسعه و تبلیغ گسترده صهیونیسم به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر و دعوت به تساهل و تسامح دینی و جدایی دین از سیاست و تلاش گسترده آمریکا و متحدان اروپاییش برای خسته و درمانده نشان دادن جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با غرب، بسیج شده است طبق فرمایشات حضرت امام، مسلمانان باید خوب بیندیشند و با بیداری کامل نقشه‌ها و حيله‌های استعمارگران و صهیونیست‌های خائن را درک کنند و بفهمند که استعمار و صهیونیسم برای مبارزه با اسلام و نبرد با مسلمانان در سراسر دنیا، با هم متحد شده و همکاری می‌نمایند.

تردیدی نیست که امروزه نیز مسلمانان بیش از هر چیز به آگاهی و اتحاد نیاز دارند. زیرا اگر همه با آگاهی مسایل را درک نموده و به تعبیر قرآن کریم چون بنیان مرصوص و دیوار پولادین با دشمنان مقابله کنند این چنین برادران مسلمان ما در سراسر دنیا مظلومانه مورد قتل و غارت قرار نمی گیرند و حال که دشمنان ما برای حمله و یورش به آداب و سنن، اندیشه ها و باورهای ملتمان گام برمی دارند بر ما لازم است از راه آگاهی و فرهنگ عمومی ملت و بالا بردن سطح دانش و روشننگری و روشن بینی امت وارد شده و از هر طریق ممکن توطئه دشمنان را خنثی نماییم. ما نیز بر آن شدیم طرق مختلف و نقش مراکز آموزشی و رسانه ها و مطبوعات و در درجه اول نقش نهاد خانواده را در این امر مهم مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت نهاد خانواده

نقش خانواده در تربیت افراد جامعه نیاز به توضیح زیادی ندارد. چرا که سالم ترین جوامع بشری، امروزه سلامت و سعادت خود را رهین منت زنان و مردانی می دانند که خود تربیت یافتگان مادران و پدران زحمت کش و شایسته دیروزند. همچنین جوامعی که

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۰۶

در منجلاب مفساد فرو رفته اند نیک واقفند که جمیع بدبختی های آنان از تسامح در انجام وظیفه یا تربیت نادرست پدران و مادران نشأت گرفته است.

هنگامی که انسانی قدم به عرصه حیات می نهد اصولاً عاری از هر گونه صفات محموده و مذمومه است. آفریدگار جهان خوی و خلق و خصایص گوناگونی را بالقوه در او قرار داده است و بالفعل نه نیک است و نه بد، بلکه همچو قطعه آهنی است که می توان آن را به هر شکلی درآورد، بلکه در حقیقت کودکان همچون نهالهایی هستند که اگر خوب پرورش یابند میوه های شیرینی خواهند داد و اگر بد پرورش یابند آینده بدی را ایجاد می نمایند.

به طور کلی می توان خانواده را مسئول تمامی مفاسد و رذایل اخلاقی جامعه دانست. اگر جامعه بخواهد خود را اصلاح کند بدو باید از خانواده شروع کند چرا که کودک آنچه را که آموخته به جامعه منتقل می نماید.

در اعلامیه جهانی کودک آمده است:

هدف تعلیم و تربیت باید رشد فکری کودک، پرورش استعدادهای او، پرورش حس مسئولیت اخلاقی و اجتماعی او بار آوردن او به عنوان یک عضو مفید جامعه تحت شرایط مساوی با دیگران باشد. منابع و مصالح عالییه کودک باید سرلوحه رفتار کسانی باشد که مسئولیت تربیت و هدایت کودک را به عهده دارند، این مسئولیت در مرحله اول متوجه پدر و مادر کودک می باشد.

و اسلام بهترین دینی است که در این مسیر تعالی، بهترین دستورات را راهنمای زندگی بشر قرار داده است. همچنانکه امام عزیزمان فرمودند:

«اسلام برای تربیت انسان از قبل از ازدواج پدر و مادر شروع کرده است، زمین را یک زمین سالم و مطهر می خواهد باشد، زوج را یک زوج سالم و صحیح، انسان صفت انتخاب بکند، بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می شود و آداب رضاع و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامن مادر و تربیت در پیش پدر و تربیتهای بعدی که

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۰۷

دنیال این می آید هیچ یک از قوانین بشر تکفل این امر را ندارد و این امر مختص به قوانین انبیاست. اسلام همه چیز دارد. از قبل از این که ازدواج صورت بگیرد تا آن وقتی که توی قبر می رود، احکام دارد و همه دستورهای مترقی و دستورهایی که برای سعادت انسان است چه در این دنیا و چه در آن دنیا مفید است.» آری به راستی طبق فرمایشات حضرت امام قوانین ما، غنی تر از همه قوانین عالم است که از بزرگترین امتیازات محسوب می شود. اولین مدرسه ای که کودک در آن پرورش می یابد محیط خانواده است همان جایی که کودک در آنجا متولد شده در دامن پر مهر و محبت مادر و مراقبت پدر به تدریج به یادگیری های خود می پردازد. در اهمیت خانه همین بس، که پایه های اولیه یادگیری در آنجا انجام می گیرد و زیربنای شخصیت کودک ریخته می شود.

بدیهی است کودکانی که در چنین محیطی تربیت می شوند به طور غیر مستقیم کمالات پدر و مادر را اقتباس کرده و به نیکی و صلاح گرایش پیدا خواهند کرد.

وظیفه پدران و مادران در تربیت:

عقل و دین حکم می کند که پدران و مادران مسئول تربیت کودکان خود باشند و باید با نقشه و برنامه صحیحی تلاش کنند تا فرزندانشان از گمراهی و فساد برکنار مانده و افرادی برومند و ارزنده گردند. برای وصول به این هدف وظایف دشواری بر عهده آنان قرار گرفته است: در درجه اول سلامت و بهداشت و کودک و پس از آن اصول اخلاقی و ادب را به او بیاموزند و در خلال آموزش اخلاقی عملاً روح ایمان و خداپرستی را به او تزریق نمایند تا وی فردی معتقد و متکی به ایمان بار آید.

وظیفه پدر و مادر در اینجا به پایان نمی رسد بلکه وظیفه تربیتی دیگری را به عهده دارند، که باید به تدریج فرزندان خود را به زندگی اجتماعی آشنا سازند تا آنها بتوانند در مراحل حساس و خطیر با دیگران جوشیده، با دشواریها و ناهمواریهای اجتماعی

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۰۸

سازگار باشند. بنابراین پدران و مادران علاوه بر مسئولیت های اخلاقی و دینی، وظیفه سنگین دیگری دارند که عبارت است از آشنا ساختن فرزندان به راه و رسم صحیح زندگی اجتماعی.

یکی دیگر از وظایف مهم والدین، تربیت دینی کودک است که از مهمترین وظایف محسوب می شود و اصولاً والدین از این امر و اهمیت آن غافل هستند. چرا که تنها مرحله ای که کودک جوان و نوجوان را در مقابل کلیه تهاجمات فکری و فرهنگی و آسیب های روانی و انحرافات اخلاقی و اجتماعی حفظ می کند همین مرحله از تربیت است که به زبانی روان تر باید گفت پدر و مادر ثمره زحمات و دسترنج خود را در کنار این مرحله از فرزند خود باز می یابند.

مرحله تربیت دینی خود شامل مراحل از جمله: ۱ - انس دینی، که در سالهای اول زندگی با قرآن و نماز خواندن کنار پدر و مادر. ۲ - عادت دینی، که در اثر تکرار این عمل در شخصیت کودک نفوذ می کند. ۳ - معرفت دینی، که مرحله معرفت و تفکر است که کودک در سالهای پیش دبستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا نموده و در سالهای راهنمایی به بحث و تعقل و استدلال می پردازد که در این هنگام بسیار صحیح باید راهنمای شود. ۴ - شاکله دینی، در این مرحله پس از شکل گرفتن شخصیت از یک نیروی خودجوش استفاده می نماید و به دنبال عشق الهی حرکت می کند.

پس پدران و مادران ارجمند نباید فقط حاصل تلاششان معرفت دینی باشد بلکه باید شاکله دینی باشد چرا که فرزندی که از زیر دست شما بیرون می آید و بعد به دبیرستان و دانشگاه و جامعه قدم می گذارد، نباید طعمه تهاجم فرهنگی بیگانگان قرار گیرد و خود را بیازد. بلکه اگر شاکله دینی و خودجوشی دینی داشته باشد تسخیر ناپذیر خواهد بود. به خاطر همین است که امام راحمان نسبت به وظایف اولیاء و معلمین می فرماید:

«برنامه طویل المدت ملت ما، برنامه دراز مدت ملت ما اینست که بچه های خودشان اینهایی که تحت تربیت خودشان، اینهایی که تحت تربیت آنها است.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۰۹

معلم های ما، مادرهای بچه های ما، معلم های بچه های ما، استادها بچه های ما، نویسندگان برای بچه های ما، گویندگان برای بچه های ما، اینها معنویات را این ملت بفهمانند، آنها را با معنویات آشنا کنند.»

چرا که به فرموده امام: «شریف ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه و تحویل دادن یک انسان است به جامعه، البته تربیت خانواده شاید مشکل ترین کار در دنیا باشد.» در واقع شبیه به درهم آمیختن در شرکت تجاری است که منابع خود را برای تولید محصول واحدی روی هم می گذارند. برای زن و مردی که مشترکاً پرورش فرزندی را از طفولیت تا نوجوانی متقبل می شوند نیز همه در دسرهای بالقوه چنین شرکتی وجود دارد. مثلاً در امر تحصیل فرزندان به طور مثال «کینارد» در یکی از تحقیقات خود در سال ۱۹۷۵ دریافت که هرگاه والدین مشارکت خود را افزایش می دهند، دانش آموزان هم موفقیت تحصیلی بیشتری را از خود نشان می دادند. دانش آموزانی که همکاری والدینشان به طور غیر مستقیم بود، نمراتی به خوبی گروه اول نداشتند. این تحقیق نشان داد که هم میزان همکاری والدین و هم تداوم و استمرار آن، دو عامل مهم در پیشرفت تحصیلی فرزندان هستند.»

و این موفقیت بدست نمی آید مگر در سایه کانون گرم و پر محبت خانواده، که رابطه والدین نیز از صمیمیت خاصی برخوردار باشد و هر کدام حقوق اصلی خود را رعایت نموده و حریم حقوق قانونی خانواده را محترم بشمارند و علاوه بر اینکه تأکید زیادی به روابط حسنه داشته و با آیاتی از جمله "عاشرو هنّ بالمعروف" دعوت به سازگاری اخلاقی می نماید. تهدیدات و مجازاتهایی را نیز برای اصلاح خانواده مقرر داشته است از جمله اینکه فرمایش حضرت امام:

«اسلام این حق را برای زن هم قرار داده است که در وقت ازدواج شرط کند که اگر با من چه کردی و چه کردی من وکیل باشم در طلاق و اگر این شرط را کرد مرد دیگر نمی تواند او را معزول کند. اگر مردی با زنی بد رفتاری کرد، در اسلام او را منع کند و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۰

اگر گوش نکرد او را حد می زند و اگر گوش نکرد، مجتهد زن را طلاق می دهد.»

البته آنها که به سلامت و سعادت و تندرستی جسم و روان فرزندانشان علاقمند باشند هر آینه مراقبند که آسمان شفاف زندگی شان غبار کوچکترین گرد و خاکی، آن را آلوده و کدر نکند چرا که در سایه آرامش زندگی است که فرزندان به سعادت خواهند رسید و امروز نیز همین والدین هستند که در درجه اول باید جوانه های عزت و آزادی فطری این نسل تازه را در سایه حمایت دستهای کریم خویش از گزند طوفان تهاجم های بیگانگان از جمله تهاجم فرهنگی که چون موجی از سر انقلاب خواهد گذشت، حفظ کنند. بر مسئولان صالح و مصلح آموزش و پرورش کشور فرض است که این یاوران همیشه انقلاب را کمک کنند تا نسل آسیب پذیر جوان و نوجوان جامعه را در کشتی هدایت بنشانند و در صراط مستقیمی که خود به مقاومت در سنگرهای تلاش و تقوا بدان رسیده اند، راه برند.

اهمیت تعلیم و تربیت در مدارس

مقام معظم رهبری فرموده اند:

مسأله فرهنگ و تعلیم، مسأله اول نظام است و برای بلند مدت هیچ چیز اهمیت فرهنگ و تعلیم و تربیت را ندارد و نقش مربی و معلم در طراز اول است و مبارزه با ظلم و قلداری شیاطین عالم، سنگر مدرسه و فرهنگ و تعلیم و تربیت است و دانش آموزان نونهالی که در اختیار دستگاههای فرهنگی هستند عظیم ترین و سرشارترین ذخیره هستند و باید قدر تعلیم و تربیت و معلم و سنگر فرهنگ را بدانید و قدر این خودسازی را بدانید. شما هستید که نقطه امید و روشن را در دل مستضعفان عالم روشن نگاه می دارید و این مطلبی اساسی است که همواره امام عزیزمان هم بر ضروریات آن تأکید داشته اند و از ضروریات انقلاب ما به شمار می رود. لذا سخنان و فرمایشات حضرت امام می بینیم که تأکید داشتند و باید توجه کنید که دوره مدارس مهمتر از

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۱

دانشگاه است چرا که رشد عقلی بچه ها در این دوره شکل می گیرد باید سعی کنیم تا کسانی که فرزندان ما را فاسد بار می آورند به مدارس و دانشگاهها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد. ممکن است که الان کاری نتوانند بکنند ولی تا ده سال دیگر کارشان را انجام می دهند.»

و در جایی دیگر به وظایف معلمان و مسئولان خصوصاً آموزش و پرورش تأکیدات زیادی داشته و از نظر مقام معظم رهبری از مهمترین وظایف وزارت آموزش و پرورش از بدو تأسیس آن، تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و تربیت آن در مراکز تربیت معلم، دانش سراها و دانشگاهها، و به روز درآوردن سطح دانش و آگاهی های معلمان از طریق آموزش های ضمن خدمت بوده است.

چرا که با داشتن معلمان آگاه و دلسوز و متعهد است که می توان فرزندان کشور را متعهد و مقاوم ر برابر دشمنان تربیت نمود. حضرت امام(س) در اولین روز بازگشایی مدارس بعد از پیروزی انقلاب، برداشت خود را از جهت گیری سیاسی دانش آموزان، با کلام ذیل روشن می فرمایند:

«باید سراسر ایران با پاکسازی آموزش و پرورش از آثار فرهنگ استعماری، محیطی بوجود آورند که اطفال ما را شیر بچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه آمریکا و صهیونیسم و سایر دول چپاولگر شرق و غرب نشسته اند تقویت کنید.»

و در جای دیگر تأکید داشتند:

«بنده دلم می خواهد شما جوانهای ما، شما دانشجویها، چه دختر و چه پسر و حتی دانش آموزان مدارس روی ریزترین پدیده های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید که خلاف واقع باشد، خوب باشد، اشکال ندارد. خدا لعنت کند دستهایی را که تلاش کردند و می کنند که قشر جوان ما و دانشگاه ما را غیر سیاسی کند.»

من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۲

رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.»

امام خمینی با شناخت عمیق از استعمار هر لحظه بر هوشیاری مردم سفارش می نمودند:

«از جمله اینکه آنان (استعمارگران) می دانند اگر نوباوگان در مراکز آموزش تربیت صحیح شوند و حيله های استعمارگران را احساس و توطئه های همه جانبه آنان را لمس کنند در دانشگاه برای عمال استعمار، توفیق کمتری حاصل می شود و لهذا در دبستانها و قبل از ورود به دانشگاهها در ساختن جهان استعماری، شرق و غرب برای ورود به دانشگاهها اهمیت خاصی احساس می کنند ... اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاهها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند.»

با سخنان فوق به چند نکته اساسی پی می بریم:

۱- ارجحیت و اهمیت کار در قشر نوجوانان و جوانان، نسبت به سایر قشرها.

۲- نوجوانان و جوانان خودشان را باید سرباز امام بدانند، سرباز امام، باید اصول سرباز امام بودن و اصول سربازی و نظام هدفدار امام را شناسایی نمایند.

اما ما برای آنکه محیط مورد نظر امام را که مشخصه آن در کمین نشستن دانش آموزان، جهت مبارزه علیه استکبار و استعمار است را خوب شناسایی نماییم، لازم است ابتدا حساسیت های دشمن را که در این باب مطرح نموده است بررسی نماییم. تا اهمیت بیش از پیش محورهایی که پیرامون بحثمان نهفته است را می توان به صورت زیر عنوان کرد.

۱- استکبار جهانی برای رسیدن به هدف خود، چارچوب فکری قشر تحصیل کرده را از دوران ابتدایی و متوسطه شکل می دهد و چه بخواهیم و نخواهیم آنها برای این

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۳

دوران برنامه ریزی داشته و دارند.

۲- امام در کلام خود ساده اندیشی و کوتاهی در این امر را خیانت عنوان نموده اند.

حضرت امام، علم و عمل در زندگی را با جهت گیری مبارزاتی طرح می فرمایند: یعنی روح مبارزه باید در علم اندوزی دانش آموزان نهفته باشد و شرایط اعم از کلاس و درس و مدرسه به عنوان سنگر مبارزه طراحی و برنامه ریزی گردد. مخصوصاً با توجه به وجود رسوبات فرهنگی استعماری که بین بعضی معلمان و اساتید، که هوشیاری دانش آموزان را می طلبد.

- برای رسیدن به ارتقاء اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان، باید وسیله ای فراهم شود هم از جنبه های مادی و هم از جنبه های معنوی، که چه بسا در کسب بهترین ارزشها و نوآوریها شرایط روحی و معنوی کارآمدتر باشد. امام به زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت ها و حقیقت ها، تأکید می فرمایند:

«باید حس کنجکاو و تحقیق در تمامی زمینه ها، برای دانش آموزان تقویت فرصت ابراز وجود پیدا کنند تا خودشان را باور داشته باشند. آیا زنده نگه داشتن روح توانایی و راه و رسم استقلال، جز با اعتقاد و بها دادن به آن در تمام امور میسر خواهد شد؟»

فکرشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است. به فکر دین و کشورمان صدمه های بی شمار زده اند. اگر چه ما مسئول آنچه در آن روزگاران بر ملتمان رفته است نیستیم لکن امروز رئیس جمهور و دولت و مجلس شورای اسلامی و تمامی متصدیان امر تربیت در مقابل خداوند قادر و توده های ملل مستضعف مسئول هستیم. مسامحه و سهل انگاری در تعلیم و تربیت، خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می باشد و باید از آن احتراز کرد.»

آری، دشمنان اسلام دست در دست یکدیگر به هر وسیله ممکن برای رسیدن به اهداف شومشان تلاش می کنند که فرزندان ما، نه تنها فرهنگ اسلامی را نپذیرند بلکه

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۴

آنها را با فرهنگ غرب تربیت نمایند. از این رو امام عزیز فرمودند: «این شغل بزرگ را میتدل کردند که از دامن مادر بچه صحیح بیرون نیاید. بعد که به دبستان می رود کمی تحت حمایت پدر می آید، پدر را هم یک کاری بکنند که توجهش به بچه نباشد تربیت نکند. بعد هم در دبستان و دبیرستان و بعد در همه جا و بالاتر از آن، اینها می خواهند که انسان در این کشورها نباشد. اگر انسان در این کشورها باشد دست آنها کوتاه خواهد شد.»

در رابطه با تربیت الهی می فرمایند:

مؤمنین آنها هستند که بواسطه تربیت حق تعالی و بواسطه تربیت انبیایی که مری هستند به تربیت الهی و از ظلمت ها از همه نقیصه ها و از همه چیزی که انسان را از راه باز می دارد اینها را خارج می کند و از همه ظلمت ها به نور می کشاند. مسأله تربیت بالاتر از تعلیم است که در آیات شریف قرآنی هم به آن اشاره شده است. آن کسی که عالم است اما تربیت الهی نشده است آن علمش برای بشر تباهی را به هدیه می آورد. همان طوری که انبیاء مردم را از ظلمات به نور می کشانند این معلم هم بچه را از ظلمات به نور وارد می کند و همین شغلی است که شغل انبیاء است و العلم نوراً.

علم نوری است که خدا در قلوب مردم او را وارد می کند و تربیت معلم هم رأس امور است (چرا که) جمهوری اسلامی محتاج تربیت و تزکیه است.

از آنجا بود که امام تأکید داشتند:

«میادا اساتید و معلمینی که بوسیله معاشرتها و مسافرتها به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استثمار رهیده اند تحقیر و سرزنش نمایند و یا خدای نکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت تراشند و روحیه و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند، به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا رفتیم، که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگهدارند. ما در شرایط جنگ و محاصره

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۵

توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت ها داشته باشیم. انشاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزات علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف حقیقت ها و واقعیت هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد شکل گرفته است.»

از آنجا که محیط مدرسه یک محیط اجتماعی است و دانش آموزان قسمت عظیمی از زندگی خود را در آموزشگاه ها و مدارس سپری می کنند، تأثیر آن بر شکل گیری و نگرش های افراد امری انکارناپذیر است و حداقل سه جنبه در رشد دانش آموزان دارد: ۱- رشد ذهنی ۲- تأثیر بر رشد اجتماعی کودکان ۳- تأثیر بر رشد عاطفی

به طور کلی، مدرسه عامل اساسی در تعلیم و تربیت رسمی است و یکی از هدفهای نظام آموزشی، پیوند دانش آموزان با برنامه های اجتماعی و اقتصادی جامعه است و از نظر اجرای آموزش، مداخلات تربیتی و سهولت بخشیدن به روابط درون گروهی دانش آموزان عاملی تأثیرگذار است.

در نهایت مدرسه می تواند در زمره عامل مولد و عامل متحدکننده و یا عوامل ظاهر سازنده در مسایل و مشکلات کودکان و نوجوانان و جوانان به شمار آید.

در محیط خانه و مدرسه که ذهن و روح کودک رشد می کند باید دقت شود که شیوه های تربیتی به نحو صحیح انجام پذیرد، چرا که فضای مدرسه باید فضای تربیتی باشد. فقط خوبی افراد نیست، بلکه هماهنگی هم لازم است و اولین اجتماع شکل گیری کودک در این دو مکان است و تربیت مهمترین اصل آن می باشد.

به فرموده حضرت امام: جمهوری اسلامی محتاج به تربیت و تزکیه است، آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد، که از مربی القاء شده باشد، از کسی که تربیت الهی شده است القاء شود به بشر، یک تربیت به صراط مستقیم باشد والا تربیت مسکو را نمی توانیم بپذیریم و تربیت واشنگتن را هم

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۶

نمی توانیم بپذیریم.»

فرمان امام به تربیت دانش آموزان و حتی معلمین اشاره دارد به خاطر همین آنها را که معلمان نیکو تربیت می کنند ستوده اند و همچنین متذکر شده اند همه معلمین در فکر این باشند که خودشان را مهذب کنند تا حرفشان در دیگران اثر کند. معلمین و همه کسانی که در شغل معلمی به سر می برند باید بدانند که شغلشان بسیار مهم است. باید توجه کنند که بچه ها را از ابتدا خوب بار بیاورند که دانشگاه دیر است. معلمین باید احساس کنند که پیش خدا مسئولند. اگر بچه ها بد تربیت شوند اینها هم مسئولند. اگر در این مورد من و شما هم سکوت کنیم مسئولیم. همچنین فرمودند: همه می دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام بعد از توده های مردم در دست طبقه تحصیل کرده است و هدف بزرگ استعمار، در بدست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه های اخیر هر چه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است. وابستگی به شرق و غرب توسط غرب زدگان و شرق زدگان و به اصطلاح روشنفکران که از دانشگاهها برخاسته اند به هر حال بد نیست و یا بهتر است نظری گذرا بر آموزش و پرورش کشورهای دیگر بیفکنیم.

آموزش و پرورش آمریکایی:

روزنامه الشعب: از هر پنج دانش آموز مدارس ابتدایی در آمریکا، لااقل در هفته یک نفر در اثر استعمال الکل دچار مستی شده و از هر چهار دانش آموز یکی شان از مواد مخدر استفاده می کند. طی یک همه پرسی که با کمک انجمن اولیای دانش آموزان انجام گرفت این نتیجه به دست آمده است که شیوع اعتیاد و الکل روز به روز دانش آموزان کم سن و سال را به محاصره خود درآورد، و به صورت ملموس سایه خود را بر سر آنها گستراند.

بر این اساس، بیش از ۳ میلیون دانش آموز دبیرستان مواد مخدر را در میان خود

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۷

توزیع می کنند. همچنین بیش از ۵۰ هزار دانش آموز مدارس ابتدایی مبتلا به اعتیاد می باشند. از این تعداد ۵۰۰ هزار دانش آموز دوره دبیرستان اعتراف کرده اند که از کوکائین نیز استفاده می کنند. به علاوه متجاوز از ۱۰۰ هزار دانش آموز اقرار کرده اند که آنها هفته ای یک بار الکل می نوشند.

برنامه آموزش و پرورش در زمینه اعتقادی در جهان

برنامه های درسی پنج روز در هفته و تمام وقت است. برنامه های عقیدتی مارکسیست و لنینیست در کتابهای درسی افزایش یافته است و به دانش آموزان تزریق می شود.

سر منشاء نظام آموزش و پرورش در سریلانکا

با ظهور استعمار، نظام آموزشی تغییر و هم اکنون بسیاری از ویژگیهای نظام فعلی مدارس، ریشه در فعالیتهای قدرتهای استعمارگر اروپایی دارد. تأسیس مدارس مذهبی حاصل تلاشهای حاکمان پرتغالی و هندی بود تا مردم سریلانکا را به کیش خود درآورند.

شاعر سریلانکایی به نام "سوکوپاکارایا" در شعر "سینههای" خود، تعلیم و تعلم را چنین مورد ستایش قرار می دهد.

«بزرگ ترین ثروتی که والدین می توانند به فرزندانشان واگذار نمایند، آموختن است که جایگاه ویژه ای را در بین فرزندان دارا می باشد.»

آری، بدرستی بخش مهمی از مسائل مبتلا به معلمین به نوعی مربوط به والدین بچه هاست. چون هر یک از شاگردان محصول تربیت یک خانواده است.

پس با این بازنگری مختصر، دست استعمار را می توان در دست فساد و تباهی و نابودی دید که قبل از بروز هر خطری هوشیاری والدین و معلمین را می طلبد. و مبادا مادران ما و والدین ما و معلمان ما در سنگلاخهای زندگی یومیه بمانند و با پرده

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۸

مشکلات امروز منظره مصایب فردا را از چشم بیوشانند. اینان که سالهاست در چاهچاله های ناز و نیاز و نوازش همسر و فرزند از پای در نیامده اند روا نیست در چهار راه دودلی و تردید از دست بروند. پس بکوشیم تا این باغبانان صبور گلهای محمدی و نونهالان گلستان انقلاب را پاس بداریم تا مبادا آینده فرزندان باغ ولایت را به فراموشی سپاریم.

اهمیت جوانان و نسل جوان و دانشگاهها در ارتقاء فرهنگ عمومی

سرمایه گذاری تربیتی و سازندگی تنها درباره کودکان، نوجوانان و جوانان است که بازده ارزنده و طولانی دارند، با سرمایه گذاری چند ساله می توان حدود ۴۰ تا ۵۰ سال از نیروهای پرورش یافته استفاده کرد و شاید هم در موردی بیشتر از این امید باشد. پیشتر دیده ایم که جوانان بیش از دیگر طبقات در معرض شکستن و ویران شدن بودند و زیان این شکست ها غیرقابل جبران بود. طبعاً در بازسازی ثقل فعالیت ها باید متوجه نسل جوانان باشد، گو اینکه کودکان و پیران هم نادیده گرفته نمی شوند. کودکان ساخته می شوند برای پیشگیری و پیران برای اینکه وضع موجود قابل عمل و ادامه و کنترل باشد.

نیروی جوانان برای همه جوامع، اهمیت فوق العاده دارند، از آن بابت که چرخهای عظیم جامعه را آنها به حرکت در می آورند و امید جامعه در حین گرفتاری ها، و برخوردها بدانان دوخته است.

با جوانان می توان کنار آمد به شرطی که روابط بر اساس احترام به آنان، دادن مسئولیت ها بدانان و رفاقت و همدلی با آنان انجام گیرد. این دلگرمی برای سازندگان اجتماع وجود دارد که در جوانان (معرفت) وجود دارد و اگر الگوی راستین خود را بیابند برای او جان می بازند و از هستی و مقام خود چشم می پوشند و تجربه نشان داده است که به مراتب مسئولیت پذیرتر هستند.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۱۹

آنچه نیروی آنها را در مسیر هدف قرار می دهد صداقت ها، همدلی ها و دخالت دادن آنها در نقشه کشی، برنامه ریزی و انجام مسئولیت است.

متأسفانه طعمه های اصلی فرهنگ مهاجم نیز نوجوانان و جوانان هستند. علت این امر آن است که نوجوانان و جوانان در مرحله انتخاب هستند، کودکان هنوز به مرحله انتخاب نرسیده اند و بزرگترها انتخاب های خود را کرده اند. انتخاب دوست، رشته تحصیلی، شغل، سرگرمی، صنعت و هنر و از همه مهم تر، انتخاب یک ایده و روش فکری و فرهنگی.

مهمترین هدف فرهنگ تهاجم ربودن فکر و ذهن روان جوانان است. یکی از اعضای کالج میسیونری لاهور به نام "ایونینگ" در این باره می نویسد: «ما می کوشیم تا در دانشجویان نفوذ کنیم و آنان را بر اساس فرهنگ و تربیت غرب بار آوریم و آنان را با آداب و رسوم و طرز تفکر خودمان پرورش دهیم و هر کس که بر اساس فرهنگ و تربیت غرب ما پرورش یابد هرگز مسلمان واقعی نخواهد شد.»

در این رابطه یکی از طراحان سیستم آموزش استعماری بریتانیا در شبه قاره هند به نام "چارلز ترلیان" در سال ۱۸۷۵ چنین می گوید:

«جوانان هندی که با ما آشنایی پیدا می کنند از فرهنگ ما تغذیه می شوند و ادبیات ما را می پسندند، دیگر ما را بیگانه نمی شناسند. از مردان بزرگ ما به نیکی یاد می کنند و درباره آنان مانند ما فکر می کنند. آنان روزانه با ما به زبان انگلیسی از طریق وسایل ارتباط جمعی در تماسند و معتقد به همان ملیت می شوند که ما می خواهیم.»

رهبر عظیم الشان انقلاب در خصوص جوانان تأکید بسیاری نسبت به توجه به این قشر حساس در مقابل تهاجمات دشمنان داشته و فرموده اند:

«انقلاب اسلامی به رهبری امام عظیم الشان به عنوان یک قیام عظیم مردمی و حرکتی بی نظیر در جهان، با میدان داری جوانان به پیروزی رسید. در این پیروزی میدان مبارزه با استکبار و مهمتر از آن سرزمین دل جوانان میهن توسط اسلام و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۰

انقلاب و امام فتح شد و در جنگ تحمیلی هم باز هم جوانان بودند که جنگ را به زیان دشمن تمام کردند، لذا طراحان استکبار جهانی با مشاهده معجزات جوانان مؤمن و تربیت یافته اسلام انقلابی در صدد هستند تا با اجرای نقشه های ضد مردمی و ضد اسلامی خود، این موج عظیم انسانی را از مقابله و مقاومت در برابر آمریکا کنار بزنند.»

و همچنین افزودند:

«طی دو قرن گذشته، استعمارگران برای ضایع کردن نسل جوان، برنامه همه جانبه ای را در کل جهان سوم و از جمله در کشورهای اسلامی به اجرا در آورده اند. زیرا، به این حقیقت دست یافته اند که جوانان با فرهنگ، با اراده و با رشد، سلب کننده آرامش بیگانگان و چپاولگران هستند.»

غرق کردن نسل جوان در فسادهای گوناگون و اعتیاد به مواد مخدر و سکر آور یک سیاست پیاده شده استعمار و استکبار است و (همچنین) با تربیت غربی و یا معلم و استاد است که دبستانها و دبیرستانها محلهایی می شوند مجهز برای تربیت غربی یا شرقی جوان ها.

و امام خمینی در رابطه با هدف استعمارگران بیان داشته اند:

«اینها می خواهند یک مملکت غربی برای شما درست کنند. آزاد هم باشید و مستقل هم باشید اما نه خدایی در کار باشد و نه پیغمبری و نه امام زمانی و نه قرآنی و نه احکام خدا، نه نمازی.»

به خاطر همین امر، امام عزیزمان در این باره به جوانان سفارش نمودند: «جوانان عزیز دانشگاهی هر چه بیشتر با کسب علوم و فنون، در اعتلای کشور عظیم خود کوشش نمایند و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد و اگر انحراف و گرایش به شرق و غرب خدای نخواست از اساتید یا

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

دانشجویان مشاهده کردند به ستاد فرهنگ اطلاع دهند و در دفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایید.»

و همچنین فرمودند:

«دانشگاه که رأس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست، باید جدیت کنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور.»

و به قول شاگرد امام حضرت آیت الله خامنه ای:

«سیاست ما، کسب علم، صنعت و فنون مختلف از بیگانگان و اداره و انتخاب آن به دست خودمان است. انسان باید علم را از هر کس که آن را در اختیار دارد فرا بگیرد، اما مزدور او نباشد. ما علم را می آموزیم و آن را در خدمت سازندگی کشور به کار می بندیم. ملت ما از استعدادهای فراوان، روح خلاقیت و توان علمی بالقوه برخوردار است، لذا نباید از کاروان علم و صنعت دنیا عقب بمانیم.»

آنچه امام عزیزمان در رابطه با سخنانشان اصرار می ورزید علاوه بر اهمیت نسل جوان و دانشگاه به موضوع اصلاح دانشگاه و فرهنگ مستقل آن بیش از امور دیگر تأکید داشتند. از آن جمله فرمودند:

«آنچه که دانشگاه در یک کشوری نقش دارد از امور مهمه ای است و نقش بزرگی دارد که این نقش بزرگ را اگر ایفا کند به طور صحیح ایفا کند، کشور را به مقصد اعلاء خودش می رساند.»

همچنین فرمودند:

«دانشگاههای ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند در خدمت ملت باشند نه در خدمت اجانب. ما باید یک دانشگاه مستقل یک فرهنگ مستقل داشته باشیم، عزیزان من، از محاصره اقتصادی نمی ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی ترسیم آنچه را که ما را

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۲

می ترساند وابستگی فرهنگی است.»

و رهبر معظم انقلاب هم به پیروی از فرامین حضرت امام فرمودند:

«دانشجویان و دانش آموزان جوان باید همراه با تقویت بینش، سیاست، قدرت تحلیل خود را با تربیت دینی بسازند و حکم الهی را در محدوده شخصی خویش به اجراء درآورند. اهمیت دادن جوانان به نماز، دعا، توکل و توجه به خدا، آنان را پولادین خواهد کرد و این همان چیزی است که آمریکا از آن می ترسد.»

و امام عزیزمان بیان داشتند:

«سلام بر دانش دانشگاه و دانشگاهیان که چراغ راه هدایت و راهنمایی ملت به سوی تعالی سعادت و فضل و فضیلت می باشد. سلام بر جوانان برومند که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلای کشور عزیز اسلامی کوشا، و در رسیدن به هدفهای انسانی اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند. (چرا که) دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده سازی اساتید شایسته و متعهد و آگاه و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلام اقدام نمایند.»

نقش دانشگاه و روحانیت و اتحاد ایشان در بیداری مردم و ارتقاء فرهنگ عمومی:

سخن خود را باز، با کلام مهمی از سخنان گهربار امام مان آغاز می کنیم:

«استعمارگران در ممالک اسلامی دو چیز را دیده اند که اگر باشد ممکن است سد راه آنها باشد. یکی - اصل اسلام، اگر چنانچه اسلام به آن طوری که هست و به طوری که خدای تبارک و تعالی اسلام را تأسیس کرده است، اگر به آن طریق اسلام پیاده شود، فاتحه مستعمرین خوانده می شود. این راجع به اسلام که فکر کرده اند برایش یکی هم روحانیت اسلام که اگر اینها قوه داشته باشند و اینها با تمام ملتها سر و کار دارند و در بین ملت، اگر کسی قدرت داشته باشد آری، به درستی این کسانی که در میان ملت قدرت دارند و نفوذ کلام و راهنمای ملت می باشند همین روحانیت هستند که دشمنان در هر لحظه از حضورشان هراس دارند و وظیفه ما مسلمانان هم پیروی از

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۳

ایشان است چرا که علماء انسانهای پاک و دلسوزی هستند که در برابر کجی ها و زشتی ها نمی توانند بی تفاوت بمانند و چون پدری مهربان و دوستی خیرخواه لب به بند و اندرز می گشایند. آنها از عوامل مهم تربیت به شمار می آیند که باید به آنها احترام گذاشت و گوش دل به سخنان آنان سپرد. در غیر این صورت، تلخی ها و پشیمانی ها در انتظار ما خواهد بود.

و در این خصوص، رهبر پیشوایان و شیعیان علی(ع) می فرماید: «شما مردم را بر من حاکم اسلامی حقی است، اما حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و شما را تعلیم دهم تا از جهل و نادانی نجات یابید و شما را تربیت کنم تا علم فراگیرید و تربیت شوید.»

به خاطر همین امر است که امام عزیزمان به تدریس علوم معنوی نیز در دانشگاه تأکید داشتند و فرمودند:

«باید در دانشگاه همانطوری که علوم مادی تدریس می شود علوم معنوی تدریس بشود. باید آن امور انسانی، امور تربیتی به دست اشخاصی که بدانند تربیت اسلامی چه و بدانند اسلام چه است. متخصص لازم است و در این امر باید از حوزه های علمیه متخصص بیاورند دستشان را دراز کنند پیش حوزه های علمیه که در آنجا این نحو متخصص هست و دانشگاه را باز می کنند.»

از این جهت برخلاف میل بیگانگان امام مدام سفارش می نمودند:

«من به شما و تمام نسلهایی که بعد از شما و ما خواهند آمد هشدار می دهم که ملت و روحانیت، دانشگاه و روحانیت از هم جدا نشوند که جدا شدن اینها از هم، هلاکت ملت و هلاکت اسلام و هلاکت کشور است.»

نکته هایی که امام مکرراً در باب استفاده از روحانیت دلسوز و عاشق تعلیم و تربیت فرموده اند این است که خط مشی کاریمان را بر مبنای نزدیکتر کردن این دو قشر قرار داده و اگر موانع و یا شرایطی باعث فاصله بین آنها به هر طریق ممکن شود از سر راه

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۴

برداشته تا جوانان از سرچشمه اسلام ناب محمدی(ص)، از اهل آن بهره مند گردند. نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچگاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

در فراز دیگری از سخنان حضرت امام که هدایتگر ماست به مطلب مهمی در شیوه برخورد با جوانان دانشگاهی و غیره برمی خوریم که فرمودند:

«از باب تذکر و تأکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسایل مختلف اسلامی بیان دارند با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند و اگر بیراهه می روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته هایشان زد. به جای پرخاش و کنار زدن آنها، با درایت و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند مایوس نشوید و در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرال ها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسایل گوناگون بها دهیم و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم و به همه شیوه ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنها می شود، معتقد باشیم.»

دقت در این نکته باعث می شود جایگاهی که حضرت امام برای جوانان تعیین فرموده اند را حفظ کنیم. چرا که در وصیت نامه حضرت امام نیز به سفارشات مؤکد ایشان در این باره برمی خوریم. از آن جمله:

«بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است که در همه اعصار نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب های انحرافی و یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۵

سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکل پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

وصیت اینجانب به جوانان عزیز دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

شما الان یک نهال کوچکی هستید که ارتباطتان تازه است و الان شروع شده است، یک پرورش صحیح که از دانشگاه وقتی بیرون می آید مستقل در فکر باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تأثیر گرایشهای غربی و شرقی نباشند، خدمتگزار به کشورشان باشند نه خدمت به دیگران بکنند.

ما آزادی که اسلام در آن نباشد نمی خواهیم. ما استقلالی که در پناه اسلام است می خواهیم. ما آزادی و استقلال بدون اسلام به چه دردمان می خورد. وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، هزار آزادی باشد ممالک دیگر هم آزادی دارند. ما آن را نمی خواهیم.

به همین علت امام عزیزمان فرمودند:

امروز فضلا و روحانیون، دانشگاهی اگر واقعاً علاقه دارند به اینکه کشور محفوظ بماند خصوصاً دانشگاهی ها و اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقمند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق. باید مواظب باشند دانشگاهیها، اساتید مواظب خودشان باشند در تربیت بچه ها و جوانها باشند در کارهایی که می کنند باید نگهدارند دانشگاه را به یک صورتی که به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است لکن بیشتر مواظبت می خواهد.

«امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقه سلف صالح را حفظ و افکار خود را برای هر چه پربرتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی به کار برند و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۶

شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند و اساتید و دانشمندان دانشگاهها هم خود را در مسایل علمی مختلفی که یک امت بدان ها احتیاج دارد صرف نموده و استقلال علمی و فرهنگی را پی ریزی نمایند تا پس از مدتی به خواست خداوند تعالی در سایه کوشش و به کار انداختن افکار عالییه خود و اعتماد به نفس، احتیاج علمی دانشجویان عزیز را آنگونه برآورند که از رفتن به خارج مستغنی شوند و این امری است شدنی.»

آری، به درستی این امری است شدنی. چرا که در قرون وسطی نیز در دانشگاههای اسلامی دین و علم به موازات هم پیش می رفت و مدرسه ها در کنار مسجد به تحقیقات علمی سرگرم بود، و دانشمندا و نوابغ بزرگ جامع، هر دو قسمت به جامعه انسانی تحویل می داد آیا شاهی زنده تر از نوشته ها و آثار خواجه نصیرها و رازی ها و ابن سیناها و امثال این دانشمندان بر این مطالب لازم است؟

نویسندگان تاریخ علم، فصل مبسوط و مفصلی درباره پیشرفت علوم به دست دانشمندان مسلمان نگاشته و در برابر عظمت علمی آنان خضوع نموده اند، آیا اینها نمی توانند گواه رابطه مستقیم دین و علم باشند.

هم اکنون نیز در گوشه و کنار دنیا حرکتهایی به چشم می خورد. از جمله به همت اداره امور روحانیون مسلمان قفقاز برای نخستین بار در آذربایجان شوروی تدریس الهیات و ادبیات فارسی و عربی با شرکت ۵۰ نفر از دانشجویان مسلمان شوروی آغاز شد و دانشجویان شرکت کننده در مدارس اسلامی باکو مشغول تحصیل هستند.

و مظهر و نمونه بارز آن در کشور جمهوری اسلامی ایران است که مصداق بارزی برای عبرت دیگران است و به فرمایش حضرت امام:

«امیدوارم با زحمت شما آقایان و شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاهی پیدا کنیم که دانشگاه مردم باشد، نه دانشگاه خارج، ما باید طوری جوانانمان را تربیت کنیم که مسلمانان دیگر کشورها بفهمند که تربیت در این جا مفید است و این را بدانید

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۷

که اگر دانشگاه درست کار کرد و خود را به دنیا عرضه نمود و مردم دنیا فهمیدند که دانشگاه ایران برای خودش کار می کند نه برای خارج، قهراً مسلمانان دیگر کشورها به این جا خواهند آمد.»

به امید همین پیروزی است که امام عزیزمان موكداً به جوانان سفارش وحدت بین دانشگاه و روحانیت می نمودند. چرا که به فرمایش امام:

«اینها می خواهند نگذارند که قشر روحانی با قشر دانشگاهی یکی بشود و امروز دانش آموزان باید سعی کنند تاریخ انقلاب اسلامیمان را و نقش وحدت بین خودشان و دانشگاهیان را با روحانیت بیاموزند. زیرا اگر روحانیون شما را و شما روحانیون را بشناسید و با هم تفاهم کنید مطمئن باشید که جناحهای غربزده و شرق زده از منافقان و چپگرایان و دیگر خرابکاران و منحرفان بر شما و کشور اسلامیتان طمع نخواهند کرد و اگر هم طمع کنند با شکست قطعی مواجه خواهند شد.»

پس به فرمایش ایشان سپاه ۲۰ میلیونی، که خود را مجهز نموده اند امروز برای فداکاری در راه اسلام باید مهیا باشند که در همه صحنه ها از کشور اسلامی خود دفاع کنند، وحدت صفوف را حفظ نمایند و هراسی نداشته باشند. چرا که حق با ما و خدا پشتیبان ملت مسلمان است و ما نیز از خداوند متعال عظمت اسلامی و مسلمین و قطع ید مفسدین را خواستاریم.

نقش تبلیغات

اگر به مسأله تبلیغ توجه کنیم درمی یابیم یکی از عوامل تربیت و معرفی ارزشها و نیروی بازدارنده از زشتیها، تبلیغات اسلامی است که گاهی به شکل وعظ و خطابه یا نصیحت و اندرز و زبانی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی مطرح می شود. آنچه در این بحث، ما از تبلیغ منظور داریم تبلیغ اقتصادی و تخریر و یا برافروختن احساسات و خاموش کردن عقل نیست بلکه غرض، ارشاد و هدایت مردم و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۸

تحریک آنها برای ارتقاء یافتن و بالا آمدن است.

چنین امری در عین اینکه برای حیات اجتماعی ضروری است قابل تفکیک از وظیفه انسانی نیست.

به حکم حیات جمعی در خوب و بد هم دیگر، در پیروزی و شکست هم شریکیم. پس طبعاً نمی توانیم در برابر زمینه های ناهنجار بی تفاوتی نشان دهیم.

آنچه در این زمینه می تواند مورد نظر باشد عبارتست از: ۱- آگاهی دادن ۲- ایجاد وسعت نظر ۳- تقویت روح وظیفه شناسی ۴- تقویت ایمان

اگر همه افراد جامعه به این عامل حساس اجتماعی توجه کنند تربیت فرد و جامعه تحقق می پذیرد و کوتاهی در این امر مهم، ضررها و زیان های بسیاری را بر جامعه مسلمین وارد می سازد. از آنجا که امیر مؤمنان علی(ع) فرمودند:

«لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْهِمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.»

تبلیغات و امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار و فاسدان بر شما مسلط می گردند، سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی گردد.

به همین جهت بود که امام عزیزمان فرمودند:

«مسأله تبلیغ به عهده وزارت ارشاد نیست. بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند.»

و رهبر انقلاب نیز فرمودند:

«امروز ملتها به آفتاب درخشان مفاهیم و معارف قرآنی محتاجند و ما وظیفه داریم با فهم درست، حقایق اسلامی و عمل به آنها در جهت انعکاس صحیح معارف قرآنی و اسلامی تلاش کنیم.

از اینرو امام عزیز به اقشار مملکت سفارش می نمودند:

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۲۹

«طلاب عزیز، ائمه جمعه، جماعات، روزنامه ها و رادیو و تلویزیون باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام، مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم. امیدوارم همه خصوصاً وزارت ارشاد بیشتر از دیگران زحمت بکشند تا همه را ارشاد نمایند و ان شاءالله موفق شوید تا به این کشوری که از حیث فرهنگی هم عقب افتاده بود و هیچ کس در سابق برای اصلاح و ارشاد کاری انجام نمی داد خدمت کنید.»

و در همین راستاست که شاگرد حضرت امام حضرت آیت الله خامنه ای نیز مردم را به بیداری دعوت می نمایند:

«کسی تصور نکند که ابرقدرتها با اسلام آشتی کرده اند، لذا امت اسلامی به مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان خود نیازی ندارند. امروز دشمنان اسلام سرگرم طرح توطئه های بزرگی علیه امت اسلامی هستند و با تبلیغات دروغین و تزریق فساد و فحشاء به جامعه اسلامی ما تصمیم دارند که بنای شکوهمند و استوار انقلاب اسلامی را از بیخ و بن برکنند. ولی آنها غافلند که ملت ما بیدار و هوشیار و مقاوم همچون گذشته پاسدار اسلام و انقلاب است.»

خاورشناسان و میشران و سایر دشمنان اسلام عیب و نقصی نمانده که نسبت آن را به اسلام ندهند. دشمنان توحید تیرهای تهمت را به سوی این قلعه محکم متوجه ساخته به خیال اینکه خواهند توانست به این قلعه و شکوه آن دست یابند و یا پایه های آن را متزلزل سازند، آنان با لباس گوناگون و با ادا اطوارهای متفاوت سعی کردند که احساس حقارت را در جامعه ریشه دار کنند. تفوق فکری غرب را بر شرق، در همه امور، نه تنها در زمینه صنعت و حتی در اندیشه های انسانی ثابت کنند. در این راه چه مناظره ها، چه بحث ها، و اظهار نظرها که بعمل آمد، چه پافشاری ها و سماجت ها از سوی آنها که دیده شد.

همچنانکه امام عزیزمان فرمودند:

«یک نیرنگ بزرگی که از غرب سرازیر شده است و دول اسلامی را تحت نفوذ قرار

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۰

داده است یا اینکه تضمین کرده است و یا تهدید کرده است، در مطبوعات شان می بینیم، در مجلات می بینیم، در تبلیغاتشان، از رادیوهاشان شنیده می شود و با آن چیزها دول اسلام را بیچاره کرده اند و از ظل قرآن کریم دور می کنند. دست استعمار در ممالک اسلامی یکی از فعالیت هایی که می کند این است که اسلام را به یک حقیقت عقب افتاده کهنه معرفی کند.

برای مثال، با شعله ور شدن قیام ۱۵ خرداد رسانه های غربی مانند روزنامه دیلی تلگراف، مجله نویاکرینا، روزنامه دی ولت چاپ آلمان، واشنگتن پست، روزنامه فرانسوی زبان لوموند به تاریخ ۸ ژوئن و رادیو مسکو شب ۱۶ خرداد کوشیدند تا به افکار هویت عناصر انقلابی و مسلمان پیرو خط ولایت فقیه پردازند. این رسانه ها کوشیدند تا با حرکت ۱۵ خرداد، به شکلهای دیگری نیز مخالفت نمایند.

لذا به حربه های کثیفی دست زدند از آن جمله حرکت اصیل اسلامی ۱۵ خرداد را در پرده ای از "مادیت طلبی صرف" معرفی نمودند تا اساس این حرکت در محاقی از ابهام و تردید قرار گیرد.

برای نمونه مثال دیگری را می توان از رابطه استعمار و مردم مظلوم آفریقا بیان نمود که میسران و گروه های تبلیغی و تبلیغاتی مسیحی، طی دو قرن گذشته با پشتیبانی کامل استعمارگران در راه وحشی معرفی نمودن آنها به غارت سرمایه هاشان پرداخته و علاوه بر آن در راه مسیحی ساختن مردم آفریقا کوششها نمودند و از رهگذر تأسیس مدارس و آموزشگاهها تا حدودی به مقصود خود نایل شدند.

و دیگر نمونه ها برای کامیابی این زانو صفتان در سراسر دنیا، خصوصاً در مواجهه با کشورهای اسلامی بسیار است. ولی خوشبختانه امروزه تمام آن تبلیغات در مورد نظام اسلامی در کشور ایران نقش بر آب شده و نظام اسلامی ایران از حاکمیت قدرتمندی برخوردار است. ولی طبق فرمایشات حضرت امام باید تبلیغات ما نیز در خارج قوی باشد تا بتوان با شبیخون فرهنگی تبلیغات غرب و بیگانگان مقابله نمود. از جمله اینکه:

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۱

«تبلیغات باید با ما باشد، آقا ما میلعیم نه شما، تبلیغ باید با ما باشد ما باید در رادیوها جا داشته باشیم برای تبلیغ، شما وقتی هم تبلیغ می کنید تبلیغ ضد اسلامی، اسلام را طوری معرفی می کنید که دانشجویها از آمریکا به من نوشته اند.

و هر چه بدبختی هست از سران اسلام است و از دول اسلامی است.

ما تبلیغاتمان در خارج بسیار ناقص است و اشخاصی که از خارج می آیند اینجا و با من ملاقات می کنند همه از این مطلب شکایت دارند که در خارج تبلیغات کم است. البته وزارت خارجه و ارشاد اخیراً یک طرحهایی دارند و ان شاءالله موفق خواهند شد لکن باید ما تبلیغاتمان زیاد بشود که لااقل بتوانیم به ملتها حالی کنیم که این تبلیغاتی که اینها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین و بر ضد جمهوری اسلامی می کنند اینها تمام غلط است و ما امروز موظفیم که تبلیغات را هر چه بیشتر تقویت کنیم و دولت و وزارت ارشاد نیز موظف است که تبلیغات را در خارج تقویت کنند.»

و اگر وزارت فرهنگ مقداری از وقت دستگامهای فرستنده در دست ما باشد ما مردم دنیا را آشنا می کنیم به احکام اسلام و فرهنگ مستقل و یک فرهنگ مسلم.

طبق فرمایش حضرت امام بدیهی است با حساسیت تبلیغ در خارج، بر وزارت ارشاد است که شورای عالی تبلیغات در جذب و آموزش نیروهای صالح و افراد شایسته برای اعزام به خارج از کشور و برای مقصد نشر فرهنگ اسلامی به وزارت ارشاد کمک و همکاری نمایند و با هماهنگی کامل این وظیفه الهی را عمل نمایند.

«در همچو محیطی که تمام رسانه های گروهی بر ضد اسلام واقعاً، به ضد جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند بر همه لازم است که تبلیغات کنند. تبلیغات داخلی برای اینکه مبدا مردم تحت تأثیر تبلیغات سوء ابرقدرتها واقع بشوند.»

آری به حق، اگر بر اساس فرموده امام این چهره نورانی اسلام با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی کند، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۲

اهتزاز در خواهد آمد.

حال در اینجا لازم است با گذری به رهنمودهای حضرت امام به نقش حساس و مؤثر رسانه هایی همچون صدا و سیما و مطبوعات و غیره اشاره ای داشته باشیم تا ان شاءالله این آگاهی عمومی در جهت حفظ ارزشهای اسلامی، گامی مؤثر در برابر تهاجم فرهنگی بیگانگان باشد.

اهمیت تبلیغ و نقش وسایل ارتباط جمعی

اهمیت محیط اجتماعی در رشد و تکامل انسان و هدایت استعدادهای فردی در جهات مشخص، در تمام ادیان و اغلب مکاتب روان‌شناسی و تعلیم و تربیت مورد تأکید قرار گرفته است. اصولاً یکی از جنبه‌های رشد اجتماعی درک ارزشهای حاکم بر جامعه و انطباق رفتارهای خود با این ارزشها می‌باشد.

رشد اجتماعی به ویژه در دوره نوجوانی و جوانی در ارتباط با محیط اجتماعی شکل می‌گیرد، ارتباط متقابل با دوستان، تقلید از الگوهای اجتماعی، کیفیت قوانین و مقررات اجتماعی و جمعی و رسانه‌های گروهی از جمله: رادیو و تلویزیون، سینما، مطبوعات و ... در تعیین ساختار فکری فرهنگی شخصیت فرد و رفتار او نقش حساس و تعیین‌کننده ای دارد.

رادیو و تلویزیون را می‌توان در ردیف وسایل و ابزار نیرومندی دانست که اگر چنانچه به شکل صحیح و حساب شده ای از آنها استفاده شود، بخشی از مشکلات آموزشی را حل می‌کند. به قولی رادیو تلویزیون را باید مانند پل ها و جاده ها و برق جزو وسایل عمومی تلقی کرد و بایستی علاوه بر استفاده های آنی و مقطعی برای هدفهای دراز مدت و جهت گسترش و افزایش ابعاد فرهنگی و آموزشی آن سرمایه گذاری کرد.

در میان تکنیک های جدید ارتباطی، رادیو وسیله مناسبی خصوصاً برای کشورهای جهان سوم محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد این وسیله به قدر کافی در زمینه تعلیم و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۳

تربیت به کار نرفته است و ظاهراً مردم مجذوب وسایل دیگری شده اند که شهرت و کارآیی بیشتری دارند، از جمله ماشین های پیشرفته، کامپیوتر، ویدئو و تلویزیون. بسیاری از پژوهش‌هایی که درباره نقش تلویزیون در آموزش بعمل آمد، با این هدف بود که کارآیی تلویزیون در فراگیری بعضی مواد درسی و یا در سطوح مختلف تعلیم و تربیت، با روشهای آموزشی رایج، مورد مقایسه قرار گیرد. از این رو موفقیت شاگردانی که به وسیله تلویزیون آموزش دیده اند از طریق شرکت آنان در امتحانات از طریق شرکت آنان در امتحانات ملی سراسری اندازه گیری می‌شود.

وسيله جدیدی که در زمینه تعلیم و تربیت فردی وجود دارد، نوارهای ویدئو است که دستیابی به برنامه‌ها را سرعت بخشیده است. تلویزیون آموزشی کانادا یکی از پیشقراولان تهیه و فروش برنامه‌های آموزشی در دنیا می‌باشد. برنامه‌های شبکه تلویزیون آموزشی انتاریو T. V. O در گوشه و کنار دنیا از جمله ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، استرالیا، کره جنوبی، آلمان، ژاپن، نیجریه،

کنیا، زیمبابوه ... مشاهده می شود. در حال حاضر رادیو و تلویزیون آموزشی "سوئد" به تولید و پخش برنامه های آموزشی قبل از دبستان تا مدرسه و آموزش عالی و آموزش بزرگسالان، با برخورداری از تسهیلات آموزشی می پردازد.

در کشور "انگلستان" رادیو و تلویزیون "بی بی سی" در زمینه های آموزشی برنامه هایی تهیه می کند و به عنوان همکار دانشگاه آزاد در آموزش، سهم مساوی دارد.

در کشور روسیه تلویزیون آموزشی در سراسر خاک این کشور فعالیت می کند. در کشور ژاپن نیز از وسایل و ابزار پیشرفته تکنیکی، در امر آموزش استفاده می شود. در کنار هر تخته سیاه بزرگ یک دستگاه ویدیو تعبیه شده است که در تدریس علوم مختلف و آموزشهای گوناگون مورد استفاده قرار می گیرد.

در این رابطه نیز امام عزیز ما فرموده اند.

«رادیو و تلویزیون یک دستگاه آموزشی است. باید دستگاهها به طور سلامت، به

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۴

طور صحیح و به طور سلیم اداره کرد.»

البته علی رغم نقاط قوت و مثبتی که در این رابطه در این دستگاهها و رسانه ها نهفته است متأسفانه استعمارگران با نیروی هر چه تمامتری کوشیدند که از همه تجهیزات، اعم از وسایل تبلیغاتی، رسانه های گروهی، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و غیره برای تحقق بخشیدن به هدفهای استعماریشان استفاده نموده تا سطح فساد را در اجتماعات بزرگ اسلامی بالا برند و ایمان را در روح مسلمانان نابود سازند، لذا اول به بذرافشانی و بعد به تبلیغات گسترده از هر راه ممکن پرداختند.

از این رو با دقت نظر در نظرات حضرت امام درمی یابیم که به تذکرات روشنگرانه مهم و مفیدی اشاره داشته اند. از آن جمله اینک:

«رادیو تلویزیون یک دستگاهی است که هم در طرف تبلیغات فاسد اهمیت زیادی دارد و هم در طرف تبلیغات صحیح، این با آن طوری که از اول شاید آنهایی که درست کردند اینها نظر آموزشی داشتند، این دستگاهها، تمام مطبوعات اینطور هست منتها اهمیت تلویزیون بیشتر از همه است، اهمیت رادیو تلویزیون بیشتر از همه است، این دستگاهها، دستگاههای تربیتی است، باید تمام اقشار ملت با این دستگاهها تربیت بشوند. یک دانشگاه عمومی است. دانشگاهها، دانشگاههای موضعی است، این یک دانشگاه عمومی است. دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. باید این دستگاه دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند. تمام را مبارز بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، تمام اینها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غربزدگی بیرون کند، استقلال به مردم بدهد.»

آنچه در نظرات حضرت امام حائز اهمیت است اشاره ایشان به رادیو تلویزیون به عنوان "دانشگاه عمومی" است که در سخنان دیگری در این رابطه نقش رسانه ها و مردم را به حکم معلم و شاگرد معرفی نموده و اشاره داشتند که:

«نقش مطبوعات در کشورها، منعکس کردن آرمانهای ملت است. مطبوعات باید

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۵

مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می کنند. در هر صورت تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند باید تربیت کنند کشور را، افراد یک کشور را و باید خدمت کنند به ملت.»

به گفته ایشان باید مطبوعات در خدمت کشور باشند نه بر ضد انقلاب کشور. مطبوعاتی که بر ضد انقلاب کشور هستند اینها خائن هستند. این تبلیغاتی که اینها بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین و بر ضد جمهوری اسلامی می کنند اینها تمام غلط است. در یک همچو محیطی که تمام رسانه های گروهی به ضد اسلام و واقعاً به ضد جمهوری اسلامی تبلیغات می کنند امروز بر همه لازم است که تبلیغات کنند.

بر اساس فرمایشات حضرت امام، از نمونه های این تبلیغات فاسد که بر ضد سلامت جامعه بوده می توان از تبلیغات رادیو تلویزیون عصر پهلوی نام برد که امام در اهداف شوم این سالوس صفقان چنین بیان داشتند:

«مدتی که محمدرضا شاه مخلوع تلویزیون را تحت سیطره خودشان داشتند کوشش می کردند که جوانهای ما را منحرف کنند یعنی نگذارند که قوه ای که باید برای کشور خدمت بکند، راهشان را کج می کردند که در خدمت دیگران باشند. باید رادیو و تلویزیون، مربی جوانهای ما، مربی مردم کشور باشد. جوانهای ما را طوری بار می آورند که برای خودشان نباشند برای دیگران باشند.»

از آنجایی که در سخنان حضرت امام نیز مشهود است چه قبل از انقلاب و چه بعد از قیام شکوهمند ملت تمام توجه استعمارگران متوجه قشر جوان و نسل فعال کشور می باشد. در این باره امام فرموده اند:

«غریبها می خواهند جوانهای ما را شستشوی مغزی دهند، آنها می خواهند جوانهای ما را تربیت فاسد کنند. ما از دانشگاه استعماری می ترسیم که جوانهای ما را آنطور تربیت کنند که در خدمت به غرب بکنند.»

لذا بر این اساس است که رهبر معظم انقلاب در رابطه با اهمیت این موضوع

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۶

فرموده اند:

«(مطبوعات) روزنامه نگاران رادیو تلویزیون، دستگاههای تبلیغاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و آموزش و پرورش باید با این توطئه مقابله کنند و همزمان با آن به انجام کار صحیح فرهنگی بپردازند.»

اگر به تهاجم فرهنگی دقیق نگریسته بشود و به اهمیت وسایل و دستگاههای ارتباطی به دقت بنگریم می بینیم فیلمها و برنامه های زیادی را در راه ابتذال جامعه، رواج و رونق داده اند و از دید دیگر فاجعه آفرین شده اند فیلم هم می توانست در آن بحران در خدمت

علم و وسیله انتقال صنعت و فکر صنعتی باشد ولی متأسفانه آگاهانه، ویرانگری کرد. آنها صحنه هایی را به نمایش گذاردند که نه تنها افراد را به سوی تحول صنعتی جهت نداد، بلکه مردم را از مسیر اصلی و حتی از واقعیات موجود دور ساخت. تخیل ها، رویاها، بلندپروازیها، در سایه آن به وجود آمد و مردم به تقلید و ادای مشتی افراد فاسد، بدکار، خائن و همه به نام قهرمان، آرتیست، هنرپیشه پرداختند و بر این اساس می بینیم هنر که باید سازنده و بیدار کننده باشد تخدیر کننده شده و برای صاحبان فیلم ثروت، ولی برای نسل ها فقر و استثمار فکری را به ارمغان آورد.

مسائلی که این قبیل فیلم ها در برداشتند علاوه بر رواج مد غربی، سرگرم کننده بود و هرگز سازندگی و یا بازسازی نداشتند.

اگر نظر حضرت امام را در این زمینه، مورد بررسی قرار دهیم در فرمایشاتشان به این نکته برمی خوریم که فرمودند:

«باید فیلمهاییکه در تلویزیون هست فیلمهای آموزنده باشد، فیلمهایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد، یا فیلمهایی که از خارج می آید، درست تفتیش بشود که ممکن است آنها با شیطننت فیلمهایی را بفرستند که بخواهند فاسد کنند جوانهای ما را، اینها باید همه شان درست شود و اداره شود و اسلامی شود.»

بدین جهت است که امام عزیز تأکید فرموده بودند:

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۷

«اگر بخواهید مملکتتان یک مملکت آزاد باشد. یک مملکت مستقل باشد. مسائل را از این به بعد جدی بگیرید رادیو و تلویزیونش را تبدیل کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده، موسیقی را حذف کنید. نترسید از اینکه به شما بگویند کهنه پرست شدید. باشد ما کهنه پرستیم از این نترسید، همین کلمات نقشه است برای اینکه شما را از کار جدی عقب بزنند. این که می گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد آنها می روند از جای دیگر موسیقی را می گیرند، بگذارید بگیرند از جاهای دیگر. شما عجالاً آلوده نباشید آنها کم کم

بر می‌گردند به اینجا. حالا اگر از جای دیگر می‌گیرند ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟ ما باید خیانت کنیم؟ عوض آن باید یک چیزی بگذارید که آموزنده باشد.»

بر اساس گفتار امام:

«رادیو تلویزیون، دانشگاه اخلاقی و رفتاری مردم جامعه می‌باشد که با ارشادهای بجا و راهنمایی‌های خوب می‌تواند جامعه را به سوی تکامل سوق دهد.»

«باید تبلیغات فرهنگی ما خصوصاً در رادیو تلویزیون بیشتر باشد چرا که الان وضع طوری شده است که آن روستایی که در صحرا مشغول امر کشاورزی می‌باشد هم به رادیو گوش می‌کند و در بعضی نقاط تلویزیون هم هست آنقدری که رادیو و تلویزیون می‌تواند به مردم خدمت کند، روزنامه و دستگاههای دیگر نمی‌توانند خدمت کنند.»

و همچنین فرمودند:

«سینما، در رژیم شاه در خدمت فساد بودند در حالی که در جمهوری اسلامی باید در خدمت اصلاح ملت باشد. از آنجا بود که امام در رابطه سنت و تجدد فرمودند ما با هیچ یک از مظاهر تجدد مخالف نیستیم ما با آنچه که مفاسد اخلاقی در برداشته باشد مخالفیم.»

پس به فرموده امام اشخاص نویسنده، اشخاص گوینده، اشخاص فهیم، اشخاص

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۳۸

مطلع در اینجا صحبت بکنند، فرصت به آنها بدهند و آنها صحبت بکنند. به جای آن چیزهایی که بدرد ملت نمی‌خورد یا مضر به حال ملت است یک چیزهایی مفید را به مردم بدهند و یک غذای مفیدی به مردم بدهند، مردم را تغذیه کنند به غذاهای صحیح، سالم.

نقش مطبوعات و رسالت اهل قلم نویسندگان و هنرمندان:

عادت استعمار بر این است در هر جا که نفوذ پیدا کرد حملات خود را از داخل مرزها آغاز کند و در داخل کشور با ملت ها بجنگد.

استعمار با کوششهای پی گیر، به تربیت خائنه عده ای از مزدوران و فارغ التحصیلان پرداخته و به هر وسیله ممکن قلب و عقیده شان را خریداری نموده و آنان را در راه مصالح و منافع خویش به کار گرفته است تا آنان به ثناگویی و ستایش استعمار پردازند و اربابان خود را تقدیس نمایند.

بعضی از روزنامه نویسان و ادیبان که ضمیر و باطن خود را به استعمار فروخته باشند در راه خیانت و ویران کردن میانی اخلاقی و معنوی ما گام برمی دارند و با فتنه انگیزیها، جوانان کشورهای اسلامی را به سوی فساد و بدبینی می کشانند. خصوصاً با انتشار مطالب بی پایان و نوشتن رمانها و داستانهای دیوانه کننده ای، افکار و روان آنان را آلوده می سازند و این یکی از مصادیق مفهومی تهاجم فرهنگی است.

جنایاتی را که این عده برای نابودی ما انجام داده اند هیچیک از لشگرکشیها و حملات نظامی دشمن انجام نداده است. من با یک تأسف عمیق باطنی، اکثر روزنامه های ممالک اسلامی از جمله ممالک غربی را می بینم که در مسیر اجرای نقشه های استعمار گام برمی دارند و دانسته یا ندانسته جوانان ما را از کمالات روحی و اخلاقی محروم می نمایند و روح اسلام را در باطن آنان نابود می سازند.

در نظرات حضرت امام می بینیم که ایشان تأکید داشتند:

«مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

در روزنامه‌ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف نکنند، باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشند که این از بیت المال مسلمین است. باید دقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است بشود.»

اصولاً امروزه صاحبان جرائد، خصوصاً در کشورهای اسلامی برای اسلام فکر نمی‌کنند، گویا آنان در میان مسلمانان بسر نمی‌برند و یا اساساً سرزمین ایشان سرزمین اسلامی نیست، همین روزنامه‌ها هستند که با زورگویان و ستمگران همکاری می‌کنند و زبان گویای آنان به شمار می‌روند به یاد هر دعوت باطنی می‌شتابند و علناً با دعوت حق می‌جنگند و به نام آزادی، آزادی مطبوعات، آزادی عقیده، آزادی فرد و نظایر آن که چنین نامهای فریبنده و طرز فکر غلطی دست پرورده انقلاب فرانسه بود، به پیش می‌روند و در پناه استعمار، نقشه‌های شومش را می‌پرورانند.

البته اسلام هم با آزادی موافق است، اما چه نوع آزادی بهتر است؟ این سخن را از کلام امام بشنویم که فرمودند:

«مسأله دیگر مطبوعات است و مطبوعات هر کشوری، نقش اساسی را در ایجاد جوی سالم و یا ناسالم دارند من بارها گفته‌ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند و آزادانه مطالب را بنویسند ولی توطئه نکنند. روزنامه‌ها آزادند مطالب را بنویسند، مسایل بنویسند، اما آزاد هستند که اهانت به مثلاً مقدسات مردم بکنند؟ آزادند که فحش به مردم بدهند؟ که تهمت به مردم بزنند همچو آزادی نمی‌تواند باشد. آزادی توطئه نمی‌تواند باشد اگر یک روزنامه‌ای توطئه بر ضد مسیر ملت می‌خواهد بکند، نوشتن چیزهایی که برخلاف مسیر ملت است و با نوشتن چیزهایی که بر مسیر ملت است اگر بخواهد توطئه بکند و راهی برود که دشمنهای یک ملت آن راه را می‌روند ترویج بکند، از کارهای دشمنهای یک ملتی بنویسد، چیزهایی که مربوط به دشمنهای یک ملت است اگر اینطور باشد، این طور آزادیها را ملت ما نمی‌تواند بپذیرند.»

من بار دیگر از مطبوعات سراسر ایران می‌خواهم که بیاید دست در دست

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۰

یکدیگر نهید و آزادانه بنویسید ولی توطئه نکنید. امید است که در خدمت خدا و مردم درآیید.

به همین خاطر بود که امام عزیزمان مرتباً تأکید داشتند:

«طلّاب عزیز و ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه ها و رادیو تلویزیون باید مردم را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم.»

البته بدیهی است که صاحبان دل های زنده ای نیز در میان روزنامه نگاران پیدا می شود که باید آنها را استثناء کرد ولی مایه تأسف است که روزنامه ها همواره اندیشه های باطل را ترویج می کنند که هم اکنون در ممالک اسلامی به چشم می خورد.

بسیاری از کتب و مجلات و روزنامه ها که از وسایل عمده در نشر فرهنگ بودند در خدمت گسترش فساد و زیانبخشی در آمدند. این وسایل به گونه مرئی و نامرئی به حریم مغزها پای نهادند و افکار و اندیشه ها را ربودند.

نه تنها، بی تعهد و نامسئول بودند و نه تنها آموزندگی و سازندگی نداشتند بلکه محتوای بی ارزش شان مخدّر و درصدد ارضای کاذب هوسها بود. مجلات، تصویری از فضیحت ها بود و رسوایی ها و نه فضیلت ها و از هنر به گونه ای دیگر یاد کردند. و از شایسته ها تعبیر دیگری داشتند.

آری به راستی، به هنگامی که کتب و مطبوعات یعنی رنگ دهنده اندیشه ها برای سوداگری و در خدمت استعمار باشد پیدا است که در آن صورت، بنای عقل و منطق را ویران خواهد نمود و از هر گونه ترقیات روحی و معنوی خصوصاً پیروان اسلام جلوگیری می نماید.

در این خصوص بود که امام راحمان تأکید داشتند:

«من به شما عرض می کنم که قلمها و قدمها و نطق ها و شیطنت ها دنبال این است که نگذارند شما ادامه بدهید به این چیزی که مشغول شدید. اینها می خواهند نگذارند

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

شما ادامه بدهید به این چیزی که مشغول شدید.»

آری، به راستی، این وسیله بهتر می تواند راه اندیشه های جوانان را گمراه کند و در افکار تازه جوانان موجی از شک و تردید به وجود آورد. از جمله می توان از روزنامه "صاحبه الجلاله" یهودیان نام برد که با پیرایه های مقدس مآبانه و عوام فریبی که بر آن بستند، می خواستند هر حيله ای را به اجرا در آورند تا بهتر بتوانند برای چنگال سیطره خود جا باز کنند و توجه مسیحیان را به اقلیت یهود جلب نموده و به نام دانش و فرهنگ و آزادی و تمدن، راه به مغز افراد ضعیف باز کنند. مادامی که یهود با سرمایه خود یا دیگران روزنامه نگاری در دنیا را دست داشته باشد و در دست سالوس صفقان و زورگویان دول استعماری باشد بزرگترین و بهترین وسیله برای دعوت آنان و سیطره آنها به شمار خواهد رفت و حرکت مزدوران و دست نشانده های آنان خصوصاً در کشورهای اسلامی درست در خط و مسیر آنان بود و از همین حیث بود که امام می فرمودند:

«روزنامه هایی که از شاه چیز می گیرند و اجیر او هستند و تبلیغات می کردند به اینکه این مردم هرج و مرج طلب هستند.»

در صورتی که مطبوعات به فرموده امام باید منعکس کننده آمال و آرزوی ملت باشد، مسایلی را که ملت می خواهند منعکس کند و یا مطبوعات در خدمت کشور باشد و آرمان ملت را منعکس کند.

متأسفانه امروزه، آن اندازه که جوانان ما در زمینه سنت های منقرض شده اطلاعات دارند درباره تمدن اصیل و بزرگ خودشان اطلاع ندارند و این سنت، جز ثمره کوششهای ریاکارانه و نقشه های جهنمی استعمار که هنوز غالب مردان و جوانان از آن غافلند، خصوصاً تحصیلکرده ها و پرورده های دیار غرب که سم افعی ها و سم پاشیها و تفرقه افکنی های غرب را برای جوامع مسلمین به ارمغان می آورند، نیست.

ای کاش همه ادیبان امروز ما در همه کشورهای اسلامی در راهی قدم برمی داشتند که ادیب بزرگ و دانشمند "سید قطب" و سایر مشعل داران ادبیات اسلامی مانند "استاد

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

مصطفی صادق رافعی" در آن راه گام برداشته اند.

البته به لطف انقلاب اسلامی، امروز ما نویسندگان و ادبا و شعرایی داریم که برای شکوه و عظمت اسلام تلاش می کنند و گام برمی دارند و ادبیات خود را با مطالب اسلامی زینت می بخشند و از لحاظ دینی و ادبی و اخلاقی، مقررات و حدود اسلامی را مراعات نموده و اسلوب ادبیات سازنده و بهتری را از نظر نثر و یا شعر به اسلام عرضه داشته اند. با قلم های ارجمند، روحیه های پاکی در راه پیشرفتهای دینی و اسلامی می کوشند، اگر همه ادبای ما مانند اینها بودند، اجتماع اسلامی و وضعیت کشورهای مسلمان غیر از این بود که اکنون مشاهده می کنیم و از این همه انحطاط اخلاقی و فرهنگی و نگرانیهای فکر و تشویش های روانی و بالاخره از بهت زدگیها و جاه طلبی ها خبری نبود. و این چنین قتل عام فکری، فرهنگی و سرمایه ای نمی شدند.

به خاطر این امر مهم است که رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای فرمودند:

«مطبوعات، گویندگان و وعاظ باید در مورد برکت ها، قدرت و ارزش های انقلاب و لزوم پای بندی به این ارزش ها بنویسند و سخن بگویند و مردم را از خطرات تهاجم دشمن حفظ کنند.»

امام عزیز و بزرگوارمان، تقاضای خود را از اهل قلم چنین ابراز داشتند:

«من آن چیزی را که از نویسندگان می خواهم این است که همانطور که ما طلبه ها مکلف هستیم، شما آقایان نویسندگان مکلف هستید، الان ملتمان استفاده کنید و برای خیر این جامعه قلمفرسایی کنید. کسانی که اهل قلم و بیان هستند باید این مسائل را برای مردم توضیح دهند. اسلام را به مردم معرفی و بگویند که اسلام برای ملیت خاصی نیست و ترک و فارس، عرب و عجم ندارد. اسلام متعلق به همه است و نژاد و رنگ و قبیله و زبان در این نظام ارزش ندارد. قرآن کتاب همه است و این تبلیغات که این عرب است. آن ترک است و یا فارس یا کرد، تبلیغاتی است که اجانب برای چپاول مخازنی که در این ممالک است آن را رواج می دهند که مسلمانان را از هم جدا کنند.»

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

مسلمین باید هوشیار باشند که تحت تأثیر این تبلیغات واقع نشوند.

و همچنین:

«نویسندگان ما، گویندگان ما همه شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مایوس نکنند ملت را، بگویند توانا هستیم، بگویند خودمان می توانیم، واقع هم همین طور است، می توانیم، اراده باید بکنیم. نویسندگان ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب، نمی خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد امید به آنها بدهند که می توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید.»

و از لحاظ اهمیت این امر مهم فرمودند:

«اهمیت انتشارات مثل اهمیت خون هایی است که در جبهه ها ریخته می شود و "مداد العلماء افضل من دماء الشهداء" دماء شهدا اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است. لکن قلمها بیشتر می توانند سازنده باشند و اصولاً شهدا را قلم ها می سازند و قلم ها هستند که شهید پرورند، از این روست که شما باید به ارزش کار خود توجه داشته باشید و بدانید هر عملی که ارزشش بیشتر باشد، مسئولیتش سنگین تر است.»

رهبر معظم انقلاب نیز در سخنان اخیرشان، استفاده مطبوعات را در بهره گیری سطح دانش و ارتقاء فرهنگ عمومی و آگاهی مردم و بینش و روشنفکری و روشن بینی بسیار مهم و مؤثر بر شمردند و با اشاره به آزادی مطبوعات، وظایف مطبوعات را نیز به تمامی جامعه مطبوعاتی متذکر شدند تا مبادا خدای ناخواسته مرتکب فسق مطبوعاتی گردند و همچنین بهره گیری از به کار گرفتن تمامی استعاره ها و امکانات مادی و معنوی در راه این بسیج عمومی را بسیار لازم شمردند.

امیدواریم در پناه امام زمان همه قلم بدستان و هنرمندان در راه احیا و ارتقا و آگاهی ملت ایران و تمامی مسلمانان دنیا مجذانه بکوشند و مظلومین زمین را از یوغ استعمارگران جهان آگاهانه برهانند.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۴

اسلام، فرهنگ فراگیر برای جهان

اسلام، فرهنگ فراگیر برای جهان

☞ خانم رهنورد

بسم الله الرحمن الرحيم

نمی دانم با چه زبانی رحلت جانسوز امام خمینی(ره) رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام را به مسلمین جهان، از جمله ملت عزیز ایران و این جمع عزیز تسلیت عرض کنم.

هر سالی که از رحلت ایشان می گذرد- البته نه اینکه در طول سال به یادشان نباشیم و هر لحظه حضور زنده شان را حس نکنیم ولی- دردها و داغ ها تازه می شود. به آن شدت که واقعاً زبان و منطق قصور پیدا می کند از اینکه بتواند غلیان عواطف را مانع گردد تا بحثهای عقلایی تری را مطرح بکنیم.

به هر صورت حقیر، با این وقت کوتاهی که دارم جمع بندیهایی از گفتار و اندیشه های ایشان را در ارتباط با فرهنگ مطرح می کنم. منتهی پیش از بحث به یک نکته روش تحقیقی در اندیشه حضرت امام اشاره می کنم که اخیراً متوجه شده ام و آن اینکه اصولاً کلمات ایشان از یک منطق خاصی برخوردار است که یک رابطه ارگانیکی و سیستماتیک محکم بین این کلمات و مفاهیم پشتشان می شود دریافت کرد، علی رغم آن بار زیبایی عاطفی و ادبی که دارد. بسیاری از کلمات هستند که نقش کلیدی در اندیشه های حضرت امام دارند و در کنار خودشان طیفی از کلمات دیگر را می آورند و این طیف در قلمروهای مختلف علوم معنای جدید پیدا می کند. مثلاً فرض کنید کلمه فرهنگ، در کنار چندین کلمه دیگر یک شخصیت کلیدی پیدا می کند. مثلاً فرهنگ در کنار استقلال، آزادی، قلم

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۵

و در کنار رسانه ها و استعمار، یک نقش کلیدی دارد. واژه های دیگری را انتخاب کنیم فرض کنیم حکومت، خودش یک نقش کلیدی دارد که طیفی از کلمات دیگر در کنارش قرار می گیرند.

فرهنگ واژه کلیدی در اندیشه امام

ما در این بحثی که امروز داریم از کلمه کلیدی «فرهنگ» می خواهیم استفاده بکنیم و ببینیم پشتش چه محتوایی و چه ارتباطی با کلمه های دیگر دارد. همانطور که در نوشته ها و گفتار ایشان مطالعه می کردم ارتباط فرهنگ، استقلال، قلم، کیان و هویت و معنویت را دنبال کردم. ایشان تعریفشان از فرهنگ خیلی متفاوت از تعریفهای متداولی است که در مردم شناسی و علوم انسانی رایج است. مثلاً وقتی متفکرین مردم شناسی می خواهند از فرهنگ صحبت بکنند معتقدند که فرهنگ مجموعه پیچیده ای است شامل تاریخ، گفتار، زبان، قومیت و ویژگیهای بومی و محلی و آداب و رسوم و اخلاق و مذهب و ... این حضرت امام(ره) طبیعتاً وارد این بحثهای علوم انسانی نمی شوند ولی اصل قضیه را از مقوله فرهنگ به شکل دیگری مطرح می کنند و آن اینکه فرهنگ، آن چیزی است که «کیان» هر ملت، هر قوم، هر تیپ و به هر صورت امتی را به وجود می آورد و جای دیگر می فرماید که فرهنگ، «اساس» (۱) یک ملت است و جالب اینکه از فرهنگ یک مقوله «استقلالی» مورد نظرشان است، یعنی هر جا بحث فرهنگ می کنند معتقدند که فرهنگ آن چیزی است که به ملت «استقلال» و اتکاء به خویش ببخشد.

فرهنگ سنتی و صنعتی

حالا باز می گردیم به بحثهای متداول امروزی به خصوص در بحث (توسعه Development)، مجمل کلام اینست که در شرایط کنونی دو دسته فرهنگ وجود دارد: فرهنگ «سنتی» که متعلق به کشورهای جهان سوم است و فرهنگ «صنعتی» که متعلق به غرب است. حرف سر این است که امروزه، یعنی در قرن بیستم دوره فرهنگهای سنتی

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۶

مثلاً فرهنگ ایرانی اسلامی یا فرهنگ ملل و امت های گذشته به سر رسیده است. اکنون دوره ای است که فرهنگهای صنعتی و فراصنعتی حضور دارند که باید بر همه فرهنگ ها غلبه کنند.

فرهنگ صنعتی با مضمونی که همان مضمون مدرنیزاسیون یا نوسازی هماهنگ است در این روند نوسازی و مدرنیزاسیون شناخته می شود. در این رابطه، تمام مفاهیم باید تازه بشوند و معنای جدیدی پیدا بکنند. (صرف نظر از اینکه شکل سیاسی مورد نظرشان است که احزاب و گروهها زیاد بشوند، رسانه ها متعدد بشوند و آزادی ها گسترش یابند. بخش خصوصی فعال بشود و در قلمرو فرهنگ، دموکراسی حاکم بشود. این یک بحث دیگر است) از نظر نو شدن مفاهیم فرهنگی، در حقیقت بحث سر این است که فرهنگ صنعتی امروزی، آن فرهنگی است که در حقیقت زبان و بیان فرهنگ بخش شمالی دنیا، یعنی نیمکره غربیها را داشته باشد. در حقیقت با این طریق اصلاً هیچ گونه استقلالی برای فرهنگهای غیر غربی و صنعتی، باقی نمی ماند. اگر چه دوره پست مدرنیسم که الان به قول غربیها ما در آن هستیم دوره ای است که به دوره خورده فرهنگها بها می دهند ولی آن خورده فرهنگها را از زاویه دید خودشان تعریف می کنند. در حقیقت به فرهنگهای اصیل، لقب خورده فرهنگ می دهند، اما ما معتقد نیستیم که فرهنگ اسلامی در مقابل فرهنگ بین المللی یک فرهنگ خورده است و سیستم جزئی است. ما معتقدیم که اسلام یک فرهنگ بزرگ و انشاءالله در آینده یک فرهنگ فراگیر برای تمام جهان است.

از استعمار، تا استقلال فرهنگی

خوب، دقیقاً بحثهایی که امام خمینی بخصوص در قلمرو فرهنگ می کنند پاسخ های کوبنده ای است به تمامی این تعاریف امروزی، یعنی اگر فرهنگ نو و مدرن امروزی از دید غربی ها، همین است که الان عرض شد که فرهنگهای دیگر را خورده و دنیا را به یک

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۷

دهکده بدل می کند، برعکس نظر امام به ملتها بویژه امت اسلام این است که برگردید به خویشتن خودتان و آنچه که غرب تعریف می کند «استعمار فرهنگی» است و ما دنبال «استقلال فرهنگی» هستیم.

در کنار این تعریفی که فرهنگ را اساس ملت می دانند و دنبال استقلال و بازگشت به آن ارزشهای اصیل هستند. در طبقه بندی فرهنگ سنتی و فرهنگ صنعتی می گویند یکی متعلق به گذشته است باید تسلیم دومی که متعلق به حال و آینده است گردد. در این طبقه بندی، از سوی غربی ها ارزش گذاری می شود که «سنتی» بد و «صنعتی» خوب است. از دیدگاه امام خمینی این نگرش مردود است. نه این که سنتی و صنعتی وجود نداشته باشد بلکه نگرش مذکور مردود است و باید برای آن راه حلی جست.

در عین حال برای تمامی مباحثی که امروزه معضلات فرهنگ هاست در ایران یا در کشورهای غربی برایش پاسخهایی مناسب پیدا نمی کنند البته نه اینکه درصدد پیدا کردن پاسخ باشند بلکه اساس زنده و پویای سیستم فکری ایشان بر طریقی گذاشته شده است که معضلات را یکی یکی در جامعه امروزی مطرح می کنند و پاسخگویش هستند، با توجه به آن ریشه های تفکر اسلامی و قرآنی، که ایشان بالاترین بهره مندی را به عنوان انسان کامل دوران دارند.

آزادی، از نگاه امام

در پی این بحث، آزادی پیش می آید خوب آزادی هم امروز یک مقوله ای است در ارتباط با فرهنگ و غرب هم از آزادی یک تعاریفی دارد که به خصوص «جان لاک» بنیانگذارش است. چون تفکرات او بعدها به امریکا رفت و دموکراسی های غربی را پیاپی سبب شد. آن آزادی که جان لاک مطرح می کند تقریباً اگر چه تضادی با مذهب ندارد چون اصولاً آدم غیر مذهبی نیست ولی تقریباً آزادی لجام گسیخته ای است. به علاوه اجازه دادن به اینکه هر قومی و هر ملتی مذهب خودش را هر جور که دلش می خواهد

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۸

داشته باشد و شدیداً مانور یک آزادی اقتصادی و مالکیت است. بیشترین مانوری که می دهد درست به عکس قدیسین قرون وسطایی مثل «توماس اکونیا» که معتقد است اگر انسان گرسنه ای بزند کسی را بکشد به خاطر گرسنگی اش و مال او را بردارد بخورد این حقش است. در نتیجه مثلاً می بینید که یک قدیس مسیحی برای آزادی مالکیت، در حقیقت عدالت را مقدم می داند. ولی جان لاک که بنیانگذار این آزادیها و این مالکیتهای تعریفی امروز در غرب است به یک آزادی لجام گسیخته ای می رسد که اساسش به همان مقوله مالکیت بر می گردد. حالا حضرت امام روی مقوله آزادی هم به عنوان متفکر مذهبی و هم به عنوان یک رهبر بزرگ دینی تکیه می کنند. ایشان با تعریف و نگرش خاصی به «آزادی» به عنوانی یک مفهوم مرتبط با فرهنگ و کیان ملت و مذهب روبرو می شوند و در اولین بحثی که راجع به آزادی من از ایشان دیدم در زمان سانسور و اختناق رژیم شاه، نویسندگان و روشنفکران و غیره را دعوت می کردند که با سانسور مخالفت کنند و حق و عدالت را مطرح کنند. بعد کانون نویسندگان در زمانی شاید سیزده سال بعد یعنی در عهد انقلاب اسلامی خدمت ایشان می آید. باز ایشان مطرح می کنند که قلمهای شما قبلاً شکسته بود. حالا آزادید که صحبت بکنید و بعد می بینیم که از آزادی همین مقوله ای را تبعیت می کنند که در عین حال در همان روند می تواند سلمان رشدی را هم محکوم کنند برای آنکه آزادانه به اسلام و مقدساتش اهانت کرده است یعنی ضمن اینکه به آزادی معتقدند، نظرشان اینست که آزادی ما آنجایی هست که اولاً متکی به منافع ملت باشد و دوم اینکه متکی به ارزشهای «جامعه اسلامی» باشد یعنی با مقدسات مردم در تضاد نباشد.

جای صحبت نیست که وقتی منافع اسلامی مطرح می شود بهترین نمونه اینکه ایشان با چگونه آزادیهایی مخالفت می کنند مقوله سلمان رشدی است و آنجایی که بحث ملت می شود، این دیگر خیلی عجیب است ایشان از روزنامه نگاران و متفکرین در یک صحبتی دعوت می کنند این آزادی که شما در پی آن هستید باید طوری باشد که «منافع

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۴۹

ملت» حتماً تضمین بشود. یعنی نمی تواند آزادی وجود داشته باشد و تعریف بشود که جدای از منافع ملت باشد و در عین حال نمی تواند منافع ملت مطرح باشد ولی آزادی برای قلم و اندیشه وجود نداشته باشد.

رابطه فرهنگ با ماوراء الطبیعه

نکته بعدی که ایشان بسیار مصرّ هستند باز در رابطه با همین تعاریف امروزی در رابطه با فرهنگ، بحث طبیعت و ماوراء الطبیعه است اگر چه یک مقوله بسیار ظریف و حساس فلسفی و علمی است ولی ایشان در همین زندگی روزمره این را گسترش می دهند برای ارتقاء فرهنگی مردم و باز هم این در عین حال پاسخی به معضلات امروزی است. خوب، این را می دانیم که در غرب از دوره رنسانس، یک نگرش دوباره ای به طبیعت و ماوراء الطبیعه مطرح شد. چون سردمداران رنسانس مثل «پترارک» و غیره معتقد بودند که باید برگردیم به عصر طلایی دوره یونان باستان، که البته واقعاً برگشتند و امروز دموکراسی غربی که در حقیقت همان دموکراسی پتریکلس است که فقط شهروندان غربی در آن «حق» وجود دارند و دیگران بیگانه هستند. کما اینکه استعمار هم همین را می گوید جز غربی ها دیگران بیگانه هستند و باید مورد هجوم قرار بگیرند. به هر صورت پترارک معتقد بود که باید برگردیم به عصر طلایی یونان باستان، از ویژگیهای این عصر یک مادی گرایی و طبیعت گرایی عجیب و غریب بود که متافیزیک آن از پشت بامهای خانه ها و کوه آلپ آن طرف تر نمی رفت. در همین کوه آلپ یک سری از خدایان به بدترین فسق و فجورها مشغول بودند و به حق در غرب همین طرز فکر ادامه پیدا می کند و در عصر روشنگری تمایل به طبیعت گرایی و مادیگرایی به شکل مثبتش به اختراعات علمی و اندیشه های علمی منجر می شود. ولی در شکل منفی آن به یک گریز شدیدی از ماوراء الطبیعه و مفاهیم عالی می انجامد. حضرت امام خمینی در ارائه دعوت به ارتقاء فرهنگی که به طور طبیعی در ساختار اندیشه ایشان وجود دارد به این قضیه می پردازند و عجیب این که حوزه و دانشگاه را یک جا مورد نظر قرار می دهند. البته در صحبتهای

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۰

متعدد و متفاوت آدم انتظار دارد از آن دانشگاهی که در دوره مدرنیزاسیون رضاشاهی تشکیل شده است یعنی همین دانشگاه تهرانی که همه ما بالاخره تا یک مدتی محصول اینها بودیم تا اینکه خودمان را بباییم و واقعاً به اندیشه اسلامی برگردیم، خوب طبیعتی به نظر می آید که وقتی حضرت امام خمینی با دانشجویان ملاقات می کنند و با دانشگاهیان بحث می کنند همین قضیه را مطرح می کنند که سعی کنید علمی که به دست می آورید متوجه تعالیها باشد، علم ظاهر نباشد، علم طبیعت گرا نباشد. طبیعت گرایی را البته می گویند خوب است. طب و فیزیک، خیلی خوب است همه اینها وجود دارد و باید از آن استفاده کرد. ولی مقصد به سوی تعالیهاست باید حرکت کرد و از حجابهای طبیعت بسوی ماوراء و اوجها راه یافت. خوب، این خیلی طبیعی است و ما انتظار هم داریم. اما، تقریباً شبیه همین بحث را در دو جا، من در صحبتهایشان دیدم که با حوزه ها مطرح می کنند و معتقدند این علمی که می آموزید مواظب

باشید که متوجه به طبیعت نباشد و باز همین بحث فیزیک و طب خوب است، همه درسها و همه علوم خوب هستند ولی حتی اگر علوم حوزوی هم غفلت کنند به یک طبیعت گرایی می انجامد و این واقعاً برای خود من در مطالعاتی که روی این طیف از کلمات کردم خیلی عجیب بود. بحث طبیعت و ماوراء الطبیعه را می آورند ایشان در قلمرو فرهنگ، راجع به آن صحبت می کنند. در حالیکه این یک بحث تخصصی و فلسفی است. کما اینکه می بینیم امروز، یکی از بزرگترین مشکلات یا یکی از دردهای دانشجویان عزیز ما که با آن مواجه هستند پوکی و پوچی طبیعت گرایانه در همین نظام جمهوری اسلامی است. هر چه دست اینها را می گیری که ببری به سوی دو قدم بالاتر از آن چیزی که چشم سرشان می بیند از آن فرار می کنند و گریز عجیبی دارند. در حالیکه، در یک محیط تقریباً مذهبی و روحانی غوطه ورنند. حالا اگر چه وسایل ارتباط جمعی، ماهواره، ویدئو غیره سعی می کنند که دنیا و طبیعت را با بهترین شکل مطرح کنند. اما این یک مسئله ای در قلمرو ظاهری مذهب نیست بلکه دردی فراتر و ریشه ای تر است. اعتیاد عجیبی که در قرن بیستم با تمام تعلیماتی که ما دائماً می بینیم و هجومهای تبلیغاتی که با آن مواجه هستیم اینست که ما را

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۱

در دنیای طبیعت گرا غوطه ور بکنند ضمن اینکه از محاسن طبیعت استفاده نمی کنیم. نه آن درک زیباشناسی از طبیعت را داریم که زیبایی هایش را درک کنیم و نه می توانیم از این زیبایی ها پاورچین پاورچین دو قدم آنطرف تر برویم و حجابها را پس بزنیم و به زیبایی اصل تر دست یابیم.

دعوت امام به پس زدن حجاب طبیعت

امام خمینی خطاب حوزه و دانشگاه، هر دو را به پس زدن حجاب طبیعت دعوت می کنند. معلوم است که هم تعالیم طبیعت گرایی دانشگاه و هم تعالیم مذهب و فوق طبیعت گرایی حوزه، هیچ کدام قدرت آنها ندارند که به آن معنویت و تعالی مورد نظر امام متوجه گردند و به تنهایی آن قدرت لازم را ندارند که ما را به آن درجات بالای معنوی که مورد نظر امام است متصل کنند. یعنی به معنای امروزی، هر دو متدولوژی که در دو قلمرو علم و دانش به کار گرفته می شود به تنهایی کافی نیستند که ما را به فرهنگ معنوی مجهز کنند که بتواند در مقابل هجوم این فرهنگ مادی و دنیوی و طبیعت گرای محض که توسط غرب به همه جهان صادر می شود، ایستادگی کنند. مگر اینکه در پرتو تعالیم خاص ایشان، چشم دل را باز کنیم و حجاب اندر حجاب را که به روی اطلاعات و تعالیم دریافت شده ما کشیده شده است پس بزنیم، تا بتوانیم بر پول و ماده و دروغ و جاه طلبی و نفس گرایی و تجاهر و تظاهر و ادعا غلبه

نماییم و این از عهده انسان بر می آید چرا که خداوند خود فرموده است: سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَمِيعاً هَرَّ جُزْءٍ فِي
آسمانها و زمین است خداوند همه، را، در تقدیر خود به تسخیر ما در آورده است حتی «خودمان را».

* ۱ - دیدگاههای امام خمینی(ره) (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۲)، ص ۲۶.

* ۲ - همان، صفحات ۲۶۲ - ۲۵۹.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۲

نگاهی به اصول فرهنگ سازی حضرت امام(ره)

نگاهی به اصول فرهنگ سازی حضرت امام(ره)

آقای اکرمی

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. مثل كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء

با سلام و صلوات به همه انبیای بزرگ الهی، مخصوصاً آخرین ایشان رسول گرامی اسلام و فرزندان طاهرینش و همه علمای
صالحی که در طول ۱۴ قرن پرچمدار فکر و اندیشه و عمل آن آخرین هدایتگر الهی بودند.

آنچه را که عرض خواهیم کرد بیان سیره عملی حضرت امام در فرهنگ سازی است و اینکه امام چگونه واقعاً در زمان ما مصداق کلمه طیبیه ای بودند که ریشه در توحید و اخلاص داشتند و شاخه های پر بار فرهنگی که از این اصل برآمد امروز از ایران فراتر رفته است و از دنیای اسلام به همه جهان سرکشیده است و برو بار بسیار داده است.

اگر بخواهیم بگوییم که امام چگونه حرکت کرد و این فرهنگ بزرگ را در دنیای امروز احیا کرد اولین نکته ای که در پاسخ باید عرض بکنیم و همه شما می دانید و قطعاً در فرمایشات استادان و سروران دانشمندانی که از حوزه علمیه قم تشریف آورده و صحبت کرده اند شنیده اید اصل خداباوری عمیق و عرفانی و اخلاص آن حضرت بود و شاید در همین یک کلمه همه مطلب را خلاصه کنیم. آفریدگاری که قرآن کریم را به ما شناسانده است و پیامبر و فرزندان طاهرش را در تفسیر آیات به ما معرفی کرده اند کافی است که هر کسی آنچنان خدا را بشناسد و در حد سیر وجودی خویش فرهنگ بسازد. امام با

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۳

اشراف و تسلط کامل بر همه قرآن کریم نه آیات و احکام تنها کار فرهنگی خود را آغاز کردند. اولین قدمی که در فرهنگ سازی برداشتند این بود که خود را مطابق فرهنگ اسلام بسازند، اما نه از یک بعد و دو بعد و سه بعد و چهار بعد بلکه از همه ابعاد فردی - اجتماعی- اخلاقی- سیاسی - اقتصادی - تربیتی خودسازی را آغاز کردند.

خاطره هایی از اخلاق حسنه امام

مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقا سید محمد جلالی که از علمای نیک همدان ما بود در سال ۱۳۴۳ تعریف کرد برای بنده و بعضی از فرهنگیان، گفتند: من هم حجره امام بودم. شیوه ایشان اینطور بود که اگر کسی در داخل حجره شروع می کردند که خدای ناکرده غیبت کنند می فرمودند غیبت نکن. طرف اگر ادامه می داد باز یک بار دیگر حضرت امام(ره) او را نهی از منکر می کردند و اگر بار سوم ادامه می داد، امام(ره) بلند می شدند، عبا را سرشان می کشیدند و کفشاهیشان را آماده می کردند می پوشیدند و از حجره بیرون می رفتند و نمونه ها از این قبیل بسیار هست.

من سعی می کنم چیزهایی را بگویم که شاید کمتر شنیده باشید. آن درس اخلاقی که حضرت امام در آن سالها در قم می داده اند تعبیر مرحوم استاد شهید آیت الله مطهری در موردش این است که وقتی در این درس حاضر می شدیم تا یک هفته روح و جانمان در پرواز بود (حالا عین کلمات را به خاطر ندارم یعنی حافظه ام یاری نمی کند که عین کلمات را بگویم ولی این است). درس اخلاق امام برای یک هفته همه ما را گرم و مشتعل نگاه می داشت چرا؟ کسان دیگر مگر درس اخلاق نگفته بودند؟ در طول چندین قرن تاریخ اسلام مگر کتاب اخلاق کم نوشته شده؟ و همه آن بزرگواران هم در جای خود محترم و عزیز و در حد خود موفق بوده اند. اما موفقیت بیشتر و بیشتر حضرت امام برای این بوده است که تمام این درس اخلاق را نکته به نکته و مو به مو، اول خود عمل می کردند. دیده اید در بعضی از نوشته هایی که دوستان و یاران امام نوشته اند آمده است که یکی از

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۴

ایشان شبی خدمت امام می رسند، کاری داشته اند و بعد وقتی به جلو در اتاق ایشان می رسند می بینند تاریک است. برمی گردند. امام که بیرون را متوجه بوده اند آن آقا را صدا می کنند که کاری داشتید؟ ایشان برمی گردند و می گویند بله کاری داشتم اما دیدم که چراغ اتاق خاموش است و تصور کردم که کسی نیست یا شما خوابیده اید. پس چراغ را روشن نکردید؟ فرمودند که مطالعه می کردم و خسته شدم و دیگر نخواستم مطالعه کنم و نیازی به اینکه چراغی روشن باشد ندیدم و چراغ را خاموش کردم. در اینکه از نور استفاده ای که عقلی و شرعی نیست چه لزومی دارد استفاده کنم؟ چراغ را خاموش کردم.

و از این قضایا زیاد در زندگی حضرت امام هست شاید خود آقای دکتر بروجردی که تشریف دارند فرموده باشند. من از قول بعضی از دوستان دانشگاهی از طرف ایشان نقل می کنم که چند سال پیش که در وزارت علوم تشریف داشتند یک روز صبح که به وزارتخانه تشریف می بردند برای همکارانشان تعریف می کنند که دیشب حضرت امام خیلی ناراحت بودند و مثلاً تند می کردند چرا؟ چون هر شب موقع خواب، ایشان صورت هزینه را از ما می خواستند و در آن شب ملاحظه فرموده بودند در اردیبهشت ماه مقدار زیادتری از حد معمول گوشت خریداری شده بود که بعد معلوم گردیده در خریدن و محاسبه خلاف شده بوده است. اینکه قبل از قدرت و بعد از قدرت یک ذره تغییر در رفتار ایشان حاصل نشد جز این نبود که به تمام معنا خدا باور بودند. همچنان که فرمودند: عالم محضر خداست. در همه لحظات این احساس حضور را داشتند.

نکته بعدی، یافتن موقعیت علمی است. ایشان در آغاز جوانی خوب درس خوانده است. یعنی همه علوم اسلامی زمان را به اضافه آن علوم و معارفی که مهجور بوده است مثل فلسفه و عرفان را از استادان بزرگ فرا گرفته اند. بعد وقتی موقعیت و منزلت علمی بالا پیدا کردند سخن و حرکتشان در دیگران مؤثر واقع شده است و این یک امر مسلمی است که در روانشناسی اجتماعی هم مورد بحث است که افراد دارای منزلت، طبعاً

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۵

سخنانشان مؤثر است. بلی از همان آغاز جوانی همه امام(ره) را به عنوان یک طلبه دانشمند و آگاه می شناختند.

الان شما ملاحظه می فرمایید چه در حوزه و چه در دانشگاه، هر کسی که از لحاظ علمی مقبول باشد تقریباً سخنش را درست می پذیریم و به جان می خریم. ولی کسی که منزلت علمی نداشته باشد قابل قبول نیست و بعد این آثاری که امام(ره) باقی گذاشتند و بعضی هایشان هنوز ترجمه نشده و بعضی ترجمه شده است که باید آنها را بخوانیم تا بیشتر به مقام علمی، فلسفی، عرفانی و اخلاقی آن مرد الهی پی ببریم.

نکته سوم که باید از آن سریع رد بشویم عرفان به زمان و آگاهی ایشان به موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمانه است. ایشان از این جهت کم نظیر بوده اند. از طلاب حوزه علمیه قم در آن سالها، که مرحوم آیت الله مدرس در مجلس شورای ملی (روزگاری که شاید هیچ یک از ما در حیات نبوده ایم) به عنوان یک رجل سیاسی اسلامی نمایندگی می کردند جوانی بلند شود بیاید ببیند ایشان کیست؟ و چکار می کند؟ به مجلس برود و برخوردهای مرحوم آقای مدرس را ببیند، این خیلی کم بوده است.

آشنایی امام با فلسفه و هنر

من به یاد دارم اولین بار که کشف الاسرار ایشان را می خواندم دیدم در تاریخ ۱۳۱۸ نوشته شده است و از فلسفه دکارت و کانت، حداقل در حد کتاب سیر حکمت در اروپای فروغی در این کتاب ایشان مطلبی آورده اند. آن روز دریافتم که ایشان تا چه حد مرد زمان خودش بوده است. سیر حکمت در اروپا، کتابی است در مورد فلسفه غربی، که خیلی از بزرگان ما و متدینین ما اعتنایی به این کتابه نمی کردند. بخصوص کسانی که خوب بر شفای بوعلی و حکمت و الاشراف و اسفار ملاصدرا سلطه داشتند نگاهی به حرفهای اینها خیلی نمی کردند. اما امام آن روز استناد می کند به این صحبتها و معلوم است می آمده، می خریده و می برده و می خوانده.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۶

بالا تر از این، فرزند برومندش حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای سید احمد آقا خمینی نقل می کنند که یکبار در نجف رفتم دیدم ایشان کتاب شوهر آهو خانم را که یک رمان است (یک رمان که چپی ها نوشته اند) مطالعه می کند. دیدم ایشان علامت گذاشته و ۷۰ صفحه از این کتاب را خوانده است خوب خیلی از بزرگان ما این را اتلاف وقت می دانستند شوهر آهو خانم را که یک رمان است بخوانند؟ ولی آن بزرگوار سوای شناخت روحیه جامعه ایران، اینها را می خوانده اند تا چه رسد به آثار استاد شهید مرحوم آیت الله مطهری، بعضی از نوشته های مرحوم دکتر شریعتی و دیگران، که بیانگر وضع اجتماعی اقتصادی و سیاسی ایران آن روز بوده، در آن حدی که وقتشان اجازه می داده مطالعه می کرده اند.

ما می بینیم ایشان در علم اصول، یکی از خلط هایی که خیلی از بزرگان کرده اند و مباحث عقلی را خیلی زیاد وارد آن علم کردند می فرمایند نباید این طور شود. علم اصول، مدارش بر عرف است و عرف هم یعنی آنچه که در مردم می گذرد و خیلی وقتها این جمله را می فرموده اند که درس مکاسب می دهیم. این درس در کتاب است، بلند شویم برویم ببینیم در جامعه، مکاسب چگونه است؟ مردم چطور کسب می کنند؟ چطور تجارت می کنند واقعیتهای چیست؟ این جمله عمیقی که ایشان در مورد اختلاف حوزه و دانشگاه گفته اند (من نمی دانم ایشان چه مقدار دانشگاه آمده بودند هیچ اطلاعی ندارم. ولی از همشهری بزرگوارم شهید آیت الله دکتر مفتح در منزل خودش شنیدم که نقل می کرد از استاد شهید مطهری که ایشان فرموده بودند من اگر به دانشگاه نیامده بودم خیلی از این آثار را نداشتم) که تحقیقات و کارهای حوزوی بیشتر نظری است و تحقیقات و کارهای دانشگاهی بیشتر جنبه عملی دارد، بیشتر به واقعیات ملموس ارتباط دارد و باید این دو نوع کار حوزوی و دانشگاهی با هم پیوند بخورد، این واقعاً یک کلمه مختصری است اما بسیار پرمعنا و مفید است و همه، حکایت از توجه ایشان به واقعیتهای زندگی دارد و عامل اثر گذاری ایشان بر جامعه و مردم بوده است. بنابراین نکته سوم

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۷

آگاهی ایشان بر مسائل زمانه است.

ملاطفت در تربیت فرزندان

نکته چهارم: خانواده سازی و ساختن نزدیکان خودشان است. یکی از همدرسان و هم مباحثه های فرزند شهید حضرت امام حاج آقا مصطفی خمینی نوشته اند که یکی از هم درسهای ایشان در نجف یا قم (یادم نیست) نقل می کنند که شبی که میهمان وی بوده اند نزدیک نیمه شب صدای شخصی را می شنوند که زار زار گریه می کرده است. بعد توجه می کند و ملاحظه می نماید این صدای گریه حاج آقا مصطفی خمینی است. در فرهنگ سازی، اول خانواده ساختن با روش ملاطفت، کاری است که حضرت امام رحمة الله علیه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آموخته اند. روی روش ملاطفت، امام خمینی(ره) بیشتر تأکید داشته اند. در بحث اخلاق هم امام این مطلب را تذکر داده اند. خوب وقتی فرزند برومند ایشان در حوزه علمیه قم می آید و می رود. افراد می بینند این مرد هم موقعیت علمی دارد هم موقعیت تقوایی دارد. می پرسند پسر کیست؟ پسر حاج آقا روح الله خوب ایشان که چنین فرزندی ساخته است چنین بزرگواری را تربیت کرده است باید همه سخنان ایشان را به گوش جان بشنوند. فرهنگ خودشان را اول خودشان

اعمال کردند خودشان را برابر آن ساختند و توسعه می دهند در محیط خانواده، صبیبه های محترم امام که تشریف دارند بهتر می توانند در این زمینه نکات زیادی را بگویند. ما که از دور شاهد بوده ایم.

توسعه فرهنگ امام به شاگردانشان

نکته پنجم توسعه فرهنگ ایشان به شاگردانشان مرحوم آیت الله شهید دکتر مطهری، مرحوم آیت الله شهید دکتر بهشتی، حضرت آیت الله خامنه ای و بزرگانی است که نمی خواهم یکی یکی اسم ببرم و وقت را بیشتر از این بگیرم. این شاگردان، همه تبلور

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

دخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۵۸

فکر و جامعیت و تقوای امام هستند. بنده از روز اول که حضرت آیت الله مطهری به تهران آمدند شاگرد دورادور ایشان و شاهد حضور ایشان در دانشگاه کما بیش بوده ام و خاطراتی در این زمینه دارم که شاید منحصر به فرد باشد و باید آنها را در موقع خودش گفت. من می دیدم آن روزگاری که امثال دکتر امیرحسین آریانپور دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی را (دقیق هم این دو جا را انتخاب کرده بود مرکز تربیت معلم و مرکزی که اهل علم و روحانیون با آن سروکار داشتند) زیر بمباران تبلیغاتی خودش گرفته و بعد با طرق مختلف سعی در دین زدایی می کرد (متأسفانه من شاگرد ایشان بودم) یک سخنرانی استاد شهید مطهری در سال ۱۳۴۰ در دانشسرای عالی تحت عنوان «خودی در اخلاق اسلامی» و انتقاد به «برتراند راسل» بسیاری از آن بافته ها را پنبه می کرد و مانند یک نورافکن قوی در مرکز تربیت معلم نور می افکندند. بعد که سؤال می شد ایشان کیست؟ پاسخ داده می شد شاگرد حاج آقا روح الله خمینی است (در آن وقت امام تعبیر نمی کردند) و از آن بزرگمرد و علامه طباطبایی چیز آموخته است. این شاگردان به این ترتیب فرهنگ امام را نشر می دادند.

تأکید امام بر فطرت مردم

نکته ششم انگشت گذاردن امام(ره) روی فطرت آدمها است. امام رضوان الله تعالی علیه غالباً مطالب را براساس فطرت تبیین می کردند، در فطرت مردم عدل گرایی هست. امام از عدالت و اینکه امری فطری است سخن می گفتند. در فطرت مردم، توجه به استقلال و آزادی و طرد بیگانه است. امام همین مطالب را مطرح می فرمودند که اصل کار عنایت به فطرت است. اگر امروز فرهنگ امام در قلوب جوانان فلسطین و مصر و عراق و الجزایر و افریقای جنوبی و حتی بعضی از مردم کشورهای امریکای لاتین نفوذ کرده، به این علت است که بر پایه فطرت مردم قرار گرفته و همانطور که آیه قرآنی که در ابتدای عرایض خوانده شد بیان می دارد کار فرهنگ سازی امام بسان کلمه طیبه ای بود که اصل

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

آن ثابت است، برابر فطرت است و شاخه هایش به آسمان رسیده است. امام بر چیزی انگشت می گذارد که فطرت ها اقتضای آن را داشت و تعلیم و تربیت اسلامی هم همین است.

یک وقتی پاسداری داشتم که می گفت فلانی در میان همشهری های ما (مردم همدان منظورش بود) کسانی بودند که در وادی دیگری قدم زده و با اسلام و دین سر و کار نداشتند. اما نمی دانی به کجا رسیدند؟ گفتم به کجا رسیدند؟ گفت امام بعضی از این افراد را به عرش اعلی فرستاد، بعضی از همین نوع افراد به جبهه رفته به شهادت رسیدند.

امام اینطور فرهنگ مردم را متحول کرد و این فرهنگ متحول شده، امروز در سطح دنیا منافع دشمنان خدا و حق و انسانیت را تهدید می کند. اما ادامه این کار فرهنگ سازی یک شرط اساسی دارد و آن اینست که، ما پیروان و عاشقان امام همچنان در این مسیر اصولی پیش برویم و قدمی به عقب بر نداریم. هیچ مصلحتی را بالاتر از حرکت در خط امام نمی دانیم، مخصوصاً مسئولین باید در همه زمینه ها دائماً مواظب باشند که در این مسیر حرکت کنند.

اگر ما به عنوان کسانی که در ام القرای اسلام قرار گرفته ایم این راه و این فرهنگ را حفظ کنیم و ادامه دهیم که بحمدالله تا حدود زیادی اینکار انجام گرفته است، فرهنگ اسلامی ما بیش از این در دنیا اثر خواهد کرد.

من اینجا سخنم را با آه و درد در زمینه هجوم فرهنگی که چند سال است رهبر معظم انقلاب فریاد آن را سر داده اند به پایان می رسانم.

خواهران عزیز، برادران گرامی، امروز دشمنان انقلاب ما، نه تنها متوجه جوانان بلکه متوجه کودکان شده و آنطور که گاهی کودکان دبستانی می گویند از طریق عکسهای مشکلاتها می خواهند فرزندان ما را از فرهنگ بزرگ و انسان ساز اسلام جدا کنند. آنها به شدت با استفاده از همه نیرنگهای روانشناسانه و جامعه شناسانه استفاده کرده و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۰

می خواهند مقاصد خود را پیش ببرند و ما باید با همان شیوه امام راحل رحمة الله علیه - یعنی خودسازی و فامیل سازی - دور و برمان را اصلاح کنیم. باید مردم را آگاه و هشیار

کرد و گفت که بیشتر متفکران دلسوز آمریکایی و اروپایی از جهنمی که سیاستمداران برای آنها ساخته اند به فغان آمده اند. الوین تافلر را ملاحظه کنید (در کتاب موج سوم) نیل پستمن را ملاحظه کنید در کتاب (تکنوپولی) از وضع امروز آمریکا چه می گویند. بله، مردم اگر بدانند امروز در آنجا چه می گذرد کمتر تحت تأثیر تبلیغات قرار می گیرند. ما باید به شدت با فرهنگ ضد اسلامی و ضد انسانی آمریکا مبارزه کنیم. امیدوارم خداوند فرهنگ انقلاب اسلامی را از همه گزندها محفوظ بدارد. خداوند همه علمای عامل، مخصوصاً رهبر معظم انقلاب را مؤید و منصور بدارد. آمین یا رب العالمین.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۱

خداحوری امام، فرهنگ جامعه را دگرگون کرد

خداحوری امام، فرهنگ جامعه را دگرگون کرد

☞ حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم و الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد و على اله الطيبين الطاهرين المعصومين الهداة المهديين صيما بقية الله في الارضين روى و ارواح العالمين لتراب مقدم الفداء.

اگرچه پنج سال است که از عروج ملکوتی روح خدای اسوه تقوا و فضیلت، ابر مرد تاریخ معاصر انسان استثنایی عصر ما می گذرد و پنجمین سالی است که ملت ما در سوگ و ماتم امام راحل می نشیند. حادثه ارتحال امام، از حوادثی است که با گذشت زمان از خاطره ها محو نمی شود و هر روز در جهان اسلام خلاء وجودی آن مرد بزرگ بیشتر لمس و احساس می گردد. موضوعی که در این گردهمایی عنوان بحث این جانب است مبانی و اصول فرهنگ اسلامی از دیدگاه امام است.

وصیت نامه امام، پایه فرهنگ اسلامی

این را می دانیم که فرهنگ هر ملتی را عقاید و اخلاق و آداب و رسوم سنن آن ملت تشکیل می دهد. به همین جهت ما می توانیم در یک جمله وصیتنامه امام را به عنوان مهمترین اصول و پایه های فرهنگ اسلامی ملت مسلمان و حکومت اسلامی جهان بدانیم. یعنی اگر ملتهای اسلامی وصیتنامه امام را که در جمیع شئون فردی، اجتماعی و سیاسی جامعه رهنمود داده است و راه اصیل اسلامی را پیش پای ملتها گذاشته است اگر

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۲

وصیت نامه امام را عمل کنند آن روز می شود گفت فرهنگ اصیل اسلامی در جوامع اسلامی ظهور پیدا کرده است.

من به دو یا سه مورد از اصول فرهنگ اسلامی بطور خلاصه و فشرده اشاره می کنم. اولین اصلی که می شود به عنوان اساسی ترین اصول فرهنگ اسلامی شمرد توجه به خدا و توحید است. جوامع بشری را در این رابطه می توان به سه گروه تقسیم کرد. اول ملت هایی که اساس عقاید و افکار آنها را مسائل مادی و گرایشهای مادی تشکیل می دهد و خدا در زندگی و جامعه آنها هیچ نقشی ندارد. دوم ملت هایی که خدا و توجه به او در حاشیه و گوشه زندگی آنها قرار دارد. خدا را در کلیسا و کنیسه و یا اینکه فقط در

مسجد می یابند و از نظر آنها حضور دارد. سوم: ملتی که خدا در متن زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی آن ملت باشد و اگر در یک جامعه ای اسلام به تمام معنا حاکم باشد خدا در متن زندگی آن جامعه قرار خواهد گرفت و قهراً اگر در متن زندگی یک ملت و جامعه ای قرار بگیرد تمام حرکتها، جهت گیریهای فردی، اجتماعی و سیاسی بر محور خداست و قهراً فرهنگ این ملت که خدا در متن زندگی آنهاست و در همه حرکتها و جهت گیریها خدا مورد نظر و محور همه حرکتهاست با آن جامعه ای که اصلاً یا گرایش به خدا ندارند و یا خدا در حاشیه زندگی آنهاست فرهنگ این دو ملت تفاوت بسیار زیادی خواهد داشت.

خدا محوری در کلمات امام

اگر دقت کرده باشید در کلمات امام رضوان الله تعالی علیه در سخنانش، در اعلامیه ها و بیانیه هایش- چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب- آنچه محور و هدف و انگیزه حرکت و انقلاب و همه جهت گیریهای امام را تشکیل می داد خدا بود. چقدر خوبست این مطلب بررسی شود و از کلمات امام استخراج شود آن مواردی را که امام بر این مسأله اساسی و محوری تکیه می فرمودند و او را اساس همه حرکت و انقلاب قرار دادند. امام در بحث و درسش طلاب، محصلین و فضلاء را کراراً به این آیه موعظه می فرمود (قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا الله) این آیه ای که کراراً بر زبان امام

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۳

جاری می شد و مکرر، ما از امام این آیه را در بحث و درس می شنیدیم. در قیام و حرکت امام نیز عمل به آن مشاهده می شد و قیامش برای خدا بود و اگر این جملات و کلماتی که خدا محوری انقلاب را از کلمات امام نشان می دهد استخراج شود شاید بشود مسائل بسیار ارزنده ای را از این جملات استفاده کرد. اگر یادتان باشد امام در این مرحله کراراً می فرمودند «عالم، محضر خداست» ببینید جامعه ای که فکر و اعتقادش این باشد که عالم، محضر خداست و خدا اعمال و حرکات، افکار و عقاید انسان را و همه جوامع را می بیند و حاضر و ناظر است این فکر، فرهنگ چنین جامعه ای را دگرگون می کند.

الان ما مقایسه کنیم جامعه قبل از انقلاب در این کشور را با جامعه بعد از انقلاب، البته من نمی خواهم ادعا کنم که خدا در متن همه زندگی ما، در تمام ابعاد انقلاب ما و تمام حرکتها و جهت گیری های ما حضور دارد. نه، این ادعا هرگز تاکنون به این وسعت تحقق پیدا نکرده است. لذا امام می فرمود نسیمی از اسلام وزیده است.

اگر خدا در متن همه زندگی‌ها و در تمام جهت‌گیریهای سیاسی، اجتماعی و فردی ما حضور پیدا کند آنوقت جامعه ما جامعه اسلامی است، آن وقت فرهنگ ما فرهنگ اصیل اسلامی است. اما در عین حال با اینکه این ادعا را نمی‌کنیم و هیچ‌کس نخواهد کرد اما اگر جهت‌گیریها و درصدهای حرکتها را مقایسه کنیم، قبل از انقلاب در جامعه ما جز در یک قشر خاصی از متدینین و جز در مساجد و محافل که موسمی و مقطعی تشکیل می‌شد ما توجهی به خدا نداشتیم. البته امروز جامعه تا حدی دگرگون شده است ولی باید بترسیم و این خطر را احساس کنیم که اگر هر چقدر از انقلاب دور شویم و خدا را فراموش کنیم و گرایش بیشتری به مسائل مادی پیدا کنیم این را بدانیم که به قهقراء برمی‌گردیم. باید به این آیه شریفه قرآن توجه کنیم: (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاما ...) این خطری است که قرآن نسبت به ملت مسلمان صدر اسلام با ارتحال پیغمبر به مردم گوشزد می‌کند که مبادا اگر از پیغمبر و سخنان پیغمبر دور شدید برگردید و به جاهلیت و به قهقراء برگردید.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۴

نزدیکی به خدا، اصل اساسی در فرهنگ اسلامی

امروز تبلیغات استعمار می‌خواهد خدا را از ما بگیرد و ما را از خدا جدا کند و جامعه ما را، جوانان ما را، محافل ما را، جهت‌گیریهای ما را برگرداند به روزگار قبل از پیروزی انقلاب. به هوش باشیم و از خدا جدا نشویم و آنطور که امام ما را راهنمایی فرمودند و امروز هم رهبر عظیم انقلاب به پیروی از امام، جامعه ما را هدایت و رهبری می‌کند از خدا دور نشویم. این یک اصل اساسی در فرهنگ اسلامی است.

دومین اصلی که باز جنبه اساسی و تأثیر بسیار چشمگیری در فرهنگ اسلامی دارد معیار در ارزشهاست. در جامعه ای که محورش مسائل مادی است معیار در ارزشها چیست؟ قبل از پیروزی انقلاب معیار در ارزشها چه بود؟ یک انسان ارزشمند در جامعه و حکومت آروز و امروز در حکومتهای مادی جهان و دنیا چگونه است؟ معیار ارزش ثروت است، سرمایه داری، مقام، هرزگی، ابتذال غریزدگی است.

در قبل از انقلاب جوانهای ما چرا از نظر لباس و از نظر شکل و قیافه سعی می کردند خود را بصورت هنرپیشه های غرب درآوردند، هیپیگری در جامعه ما چگونه رسم شد؟ لباسهایی که می پوشیدند بر چه اساسی بود؟ ابتذال و روابط جنسی و مسائلی از این قبیل، چون فحشاء و منکرات قبل از پیروزی انقلاب چگونه بود؟

چون معیار ارزشها در آن زمان و در آن جوّ همین مسائل بود. یعنی اگر فرض کنید یک هنرپیشه ای، یک رقاصه ای لباسش و وضعیتش به عنوان یک ارزش در دنیا مطرح بود برای پاره ای از مردم کشورها بر اثر تبلیغات، بر اثر آنکه در مجله ها و روزنامه ها و رسانه های گروهی این مسائل را تبلیغ می کردند و ارزش به این نوع امور می دادند اینها معیار ارزش بود. یک جوان اگر به خواستگاری یک دختر می آمد از جوان چه می خواستند؟ خانواده دختر از آن جوان چه انتظاری داشتند؟ آیا انتظار تقوی داشتند؟ آیا انتظار تخصص و تعهد داشتند؟ اما امام آمد. انقلاب کرد. انقلاب، معیار ارزشها را دگرگون ساخت. معیار ارزشها در جامعه انقلابی ما و بعد از قیام امام دگرگون شد. هویداها، نصیریها رفتند کسانی که در آن زمان و در آن جوّ، به عنوان افرادی در رأس جامعه و در کرسی های وکالت

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۵

و وزارت می نشستند مستکبرین، سرمایه دارها، وابستگان به شرق و غرب، همه رفتند. چه کسانی آمدند؟ مستضعفین آمدند. معیار روی تقوی رفت، معیار روی اسلام و تعهد رفت، فرهنگ یک جامعه در معیارها و ارزشهای غلط و صحیح، و ارزشهای اصیل انسانی آن جامعه است. همین معیارها فرهنگ یک ملتی را عوض می کند و دگرگون می سازد. امروز اگر در یک خانواده مذهبی و اصیل یک پسر به عنوان خواستگاری برود از او چه انتظاری دارند؟ اما باز اینجا هم آن هشدار را که عرض کردم بدهم. این خطر احساس می شود که کم کم داریم به جامعه قبل از انقلاب برمی گردیم. دارد کم کم ارزشهای اصیل اسلامی کم رنگ می شود. دارد، کم کم تقوا و تعهد فراموش می شود، غریزدگی و ارزشهای غربی جای ارزشهای اصیل اسلامی را می گیرد، اینجاست که باید هوشیار و بیدار باشیم. اگر می بینید رسول الله(ص) بلال حبشی سیاه چهره را به عنوان مؤذن رسمی معرفی می کند، اگر پیغمبر جُبیر سیاه چهره را به خواستگاری دختر زیادبن بُنید می فرستد، اگر سلمان فارسی را آنقدر ارزش می دهد می خواهد عملاً فرهنگ جامعه آن روز را که معیار و ارزش در آن روز، ثروت و مسائلی از این قبیل بود دگرگون کند و بفرماید ارزش، به اسلام است، به تقوا است. (اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیكُمْ) و امام چرا این همه دم از مستضعفین می زد. بارها به این نکته اشاره می کرد که مستضعفین و پاهای برهنگان باید در صدر جامعه قرار گیرند. به خاطر همین بود که انسان با آن گرایشهای مادی که در وجود او است به سوی مادیات می رود و از ارزشهای معنوی دور خواهد شد.

سومین اصلی که فرهنگ یک جامعه را می سازد مسأله تعاون، همکاری، فداکاری و ایثارگری است. جوامعی که امروزه در دنیا بین آنها همکاری و تعاون و ایثارگری وجود ندارد با آن جامعه ای که اخوت و برادری و همکاری و تعاون در آن جامعه است از زمین

تا آسمان فرهنگ این دو جامعه تفاوت می کند. اینجا باید مفصل سراغ آن مسائل که در اسلام است رفت که جامعه را به هم نزدیک می کند، روح تعاون و همکاری را در جامعه پیاده می کند، ایثارگری را در جامعه زنده می کند. ما در جنگ تحمیلی بعد از پیروزی

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۶

انقلاب خود، این فرهنگ را در جامعه دیدیم که ملت ما و جامعه ما از نظر ایثارگری، فداکاری، تعاون و اینکه از اسلام و عقاید و حکومتش دفاع کند تا چه حد در اوج عظمت قرار گرفت.

چهارمین موردی که یک جامعه را از نظر فرهنگی عوض می کند مسأله امر به معروف و نهی از منکر، یعنی نظارت عمومی ملت بر همدیگر است. مسأله نهی از منکر و امر به معروف، از مسائلی است که فرهنگ یک جامعه را دگرگون می کند. پنجم، نظامی است که در اسلام اینهمه تکیه بر آن شده است. نظم در زندگی فردی اجتماعی، در فرهنگ یک جامعه مؤثر است.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

امام، همراه با مردم و شناور در دریای معرفت

امام، همراه با مردم و شناور در دریای معرفت

□ سخنرانی جناب آقای دکتر پروجردی

بسم الله الرحمن الرحيم

پنجمین سال غم امت در فراق و هجران جانگذار رهبر و پنجمین سال وجد و سرور رهبر در وصال و لقاء حق را به محضر مقدس ولیعصر روحی فدا، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای دامه برکاته، امت مشتاق و دلاور و وفادارمان، به بیت شریف و مقدس آن بزرگوار و شما حضار محترم تبریک و تسلیت عرض می نمایم و عظمت و جلال و درخشش اسلام را در این دنیای تاریک و ظلمانی از خدای متعال خواهانم.

من بحث کوتاهی را پیرامون منشأ عظمت و شخصیت والای حضرت امام عنوان می کنم درباره آن، تبیین ها، تفسیرها و دیدگاههای مختلفی ارائه شد و اینکه امام در قلوب میلیونها انسان آزاده جا گرفت و تحولی جهانی را در ابعاد مختلف ایجاد کرد. هر کسی به دنبال انگیزه و فلسفه و علت این محبوبیت و این عظمت و این تحول و این جامعیت و این گستره وجودی بود. عده ای گفتند علت محبوبیت و عظمت امام، نفوذ کلام او بوده است. عده ای گفتند نگاه عمیق امام باعث محبوبیت او شد. عده ای گفتند سیمای معصومانه و پاک امام، و عده ای عظمت امام را در بیان ساده و صادقانه و مردمی او بیان داشتند. اما برای شناخت عظمت امام، باید در نور خدا و در وادی عظمت اهل بیت علیهم السلام، شناخت خدا را جستجو کرد.

دو بنیان فقاقت

در یک کلام امام، انسان الهی و ولایی و ملکوتی بود و آنچه که این مرد بزرگ به دست

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۸

آورد، از منبع فیض خدا، کمال خدا، جلال و جمال حق تعالی بود، امام خویش را ندید، خدا را دید. امام خود را نخواست، خدا را خواست و چون خدا را خواست خدا او را به اوج عظمت رسانید. در مرجعیت و فقاہت دو اصل به عنوان و شالوده بنیان و رکن معرفی شده است: (۱) رکن موضوع (۲) رکن حکم.

موضوع، چیزی است در فقاہت و مرجعیت که حکم بر آن مترتب می شود. تمام شرایط و اجزاء و زمان و کیفیت و کمیت موضوع در حکم مرجع اثر دارد و هرگونه تغییر و تحولی در موضوع، تغییر و تحول در حکم را ایجاب می کند. امام با یک نگرش وسیع و نورانی به همه حقایق زندگی بشر، نیازمندی بشر، رویدادهای بشر، مسائل و موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم توانستند این قافله را در وادی نور به مقصدگاه خدا برسانند.

لزوم آشنایی فقیه با مسائل جامعه

اگر فقیه دید باز و روشن نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و رویدادهای مردم و نوآوریها نداشته باشد. آیا می تواند به گونه ای واقعی و آنچنانکه بتواند نیاز انسان را تأمین کند مشکلات و گرفتاریهای مردم را سر و سامان دهد. خود حضرت امام دیدگاهش این است کسی که از زمان و ماجراهای آن دور باشد و از قدرت تصمیم گیری در زمینه مسائل مورد نیاز و درگیر جامعه بی بهره باشد اگر چه در علوم رایج حوزه ها اعلم باشد حق دخالت و فتوا دادن در این امور سیاسی و اجتماعی را ندارد.

امام در این محورها تلاش کردند تفکیک دین از سیاست که - سالیان دراز سایه گرفتاری بر سر مسلمین افکنده بود و - اکنون در کشورهای اسلامی، استکبار با همین مستمسک که دین را از سیاست جدا کرده است رهبر مذهبی مردم را از مسائل سیاسی و اجتماعی به دور نگه داشته است و مردم در مسجدالحرام و در مسجدالنبی به جز ذکر و عبادت چیز دیگری را جایز نمی دانند. در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی بدین گونه استکبار سالیان سال بر ارزشها و میراث آنان تاخته و تاراج کرده است. امام بین دین و

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۶۹

سیاست عینیت ایجاد کردند. امام، مثنی مبارزه را به همه مبارزان و همه آزادگان و همه دردمندان درد آشنایان نشان دادند. امام برای اولین بار طلسم استکبار جهانی را درهم شکستند و به همه نیروهای ستمدیده و زجر کشیده نشان دادند که با اتکاء به قدرت حق تعالی و به پشتوانه مردم می توان ارزشهای از دست رفته را به دست آورد و می توان بر استکبار شورید. ما شورش و قیام می نماییم وظیفه خود را انجام می دهیم، به اهدافمان برسیم یا نرسیم بر ایمان مطرح نیست. برای ما تکلیف و وظیفه و مسئولیت مطرح است. امام، تبیین صحیحی از اصل غیبت و مسئولیت منتظران در زمان غیبت حضرت صاحب (عج) را بیان داشته اند. آنانی که گفتند باید بنشینیم و دعا کنیم خود حضرت بیاید و همه چیز را درست کند این معنای انتظار فرج نیست. آنانیکه در انتظار مصلح هستند باید خویش را به صلاحیت برسانند و جان، جهان و جامعه را پاکسازی کنند برای مقدم آن پاک و شریف و لذا حرکت، نهضت و قیام امام اولین گام و حرکت در راه زمینه سازی ظهور حضرت صاحب، که پیام و نوید حکومت عدل جهانی است به رهبری آن والا در همه جهان و عبادا ... کردن همه ناس.

«لایلاف قریش ایلافهم رحلة الشتاء و الصيف فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» تنها راه بشریت از ظلم و ستم استکبار، گسستن بندهای طاغوت و پذیرفتن بندگی حق است و این وظیفه ما مردم است که زمینه ساز چنین حرکتی در جهان باشیم.

مسئولیت منتظران در عصر غیبت

آنچه از لابلای متون و روایات در رابطه با مسئولیت منتظران در عصر غیبت به چشم می خورد به شرح ذیل است:

۱- انتظار فرج آل محمد علیهم السلام: شیعه باید همیشه منتظر ظهور دولت قاهره و سلطنت طاهره مهدی آل محمد علیهم السلام و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین اسلام بر سایر ادیان باشد، همان طور که خدای سبحان به نبی اکرم(ص)، بلکه به

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۰

تمام پیغمبران و امت‌های گذشته وعده داده که روزی خواهد آمد جز خدای تعالی کسی را پرستش نکنند و چیزی از دین نباشد که از بیم دشمنان در پرده حجاب بماند و بلا و سختی از زندگی حق پرستان برود. در زیارت حضرت مهدی(عج) چنین آمده است:

السلام علی المهدی الذی وعد الله به الامم ان یجمع به الکلم و بلم به الشعث و یملأ به الارض عدلاً و قسطاً و ینجو به وعد المومنین»

سلام بر آن مهدی، که خداوند به او وعده داده که تمام امت‌ها را به خاطر وجود او متحد و یکپارچه کند (اختلاف را از میان ببرد و دین یکی شود) و به واسطه او پراکنده‌گیها را گرد آورد و زمین را از عدل و داد پر کند و به سبب او وعده فرجی که به مؤمنین داده است، تحقق بخشد.

۲- خودسازی و تزکیه نفس: از وظایف مهم دیگری که مشتاقان حکومت عدل پرور حضرت مهدی(عج) به عهده دارند، این است که خود را از طریق انجام دستورات الهی و ترک گناهان و تزکیه نفس و آراسته شدن به صفات پسندیده، اصلاح کنند و برای یاری دین حق با چشم پوشی از دنیا و لذایذ آن و تحمل سختیها آمادگی در خود ایجاد نمایند.

روشن است، در جامعه ای که فساد، ظلم و گناه و بی عدالتی رواج دارد و هر کس در فکر منافع خود و مقام و موقعیت بهتر است، نمی توان منتظر ظهور حضرت مهدی(عج) بود و خود را سرباز فداکار آن حضرت به حساب آورد. بنابراین هر فرد مسلمانی باید خود را اصلاح کند تا شایستگی زندگی در حکومت صالحان را به دست آورد، زیرا قومی که منتظر یک مصلح است، باید خود نیز صالح باشد. این مطلب را از روایات انتظار فرج به خوبی می توان دریافت. امام جعفر صادق(ع) فرمود: خودتان را برای ظهور و نهضت قائم ما آماده کنید، گرچه به ذخیره کردن یک تیر باشد.

آن حضرت در روایت دیگری فرمود: هر کس تمایل دارد که از یاران و اصحاب قائم ما باشد، باید در انتظار فرج بوده، پرهیزگاری را برگزیند، به اخلاق نیک آراسته شود و در همان حال در انتظار قائم ما به سر برد.

بنابراین، اصلاح خود، پرهیزگار بودن و به صفات نیک آراسته شدن از وظایف مهم

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۱

عاشقان آن حضرت است.

۳- اصلاح جامعه: وظیفه مهم دیگری که به عهده عاشقان و علاقه مندان واقعی آن حضرت است- البته بعد از اصلاح خود- سعی و تلاش فراوان در راه اصلاح دیگران و مبارزه با کج رویها و فسادها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر به منظور اصلاح جامعه و تربیت انسانهای صالح و شایسته است.

بنابراین، براساس مسئولیت همگانی، باید در برابر فسادها و ناهنجاریها ایستاد و سکوت را شکست و حتی در موقعیت مناسب، پرخاش کرد و از سرزنش دیگران نهراسید.

کسانی که خود را از صحنه اجتماع کنار می کشند و می گویند: ما به خیر و شر دیگران کار نداریم و به عبادت خود می پردازیم و تنها به این بسنده می کنند که خود را دوستدار حضرت ولی عصر(عج) می دانند به وظایف خود در زمان غیبت عمل نکرده اند و جزو منتظران واقعی آن حضرت به حساب نمی آیند، هر چند روزی صدها مرتبه بگویند:

«اللهم عجل لولیک الفرج»

بطور کلی، مسلمان کسی است که به مشکلات و گرفتاریهای مسلمانان اهمیت بدهد و در زمینه رفع آنها از هیچ کوششی دریغ نرزد. پیامبر اکرم(ص) در این باره فرمود:

«من اصبح لا یهنم بامور المسلمین فلیس منهم، و من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یحبه فلیس بمسلم»

هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست و کسی که بشنود فریاد انسانی را که از مسلمانان کمک می طلبد و به ندای او پاسخ مثبت ندهد، مسلمان نیست.

در جایی که هدف تمام انبیاء و اولیاء و ائمه معصومین علیهم السلام اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ترک گناه بوده است، آیا می توان تصور کرد که انسانی خود را مسلمان و عاشق حضرت مهدی(عج) بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکند؟ آری، برای هیچ مسلمانی پذیرفتنی نیست که گناه و انحراف و مخالفت با محبوب خود را ببیند و مهر

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۲

خاموشی بر لب زند و گوشه عزلت نشیند.

۴- استمداد از حضرت مهدی(عج) در سختیها و مشکلات:

انسان به هنگام سختی و گرفتاریهای شدید، نیاز به پناهگاه روانی دارد و خود را ناگزیر از پناه بردن به قدرتی می داند که بتواند او را از آن گرفتاریها نجات بخشد. شیعه در مواقع بحرانی، پناهگاههای فراوانی دارد: از جمله: وجود مقدس حضرت صاحب الامر (عج) که واسطه فیض عالم ماده و ملکوت و حجت خدا بر خلق است. انسانهای وارسته ای که خود را به زینت ولایت ائمه معصومین(س) آراسته اند، در موقع هجوم گرفتاریها از حضرت مهدی(عج) استمداد می جویند و آن حضرت نیز به اقتضای اشراف نسبت به تمام موجودات و لطف و محبت نسبت به انسانها بخصوص شیعیان به یاری آنها می شتابد.

بسیار از علماء و صالحان به هنگام شدت گرفتاری و ناراحتی که تمام راهها به روی آنها بسته می شد، از آن حضرت کمک می طلبیدند و مشکل آنها حل می شد، زیرا ایشان از حال هر کس که در هر جا، دانا و بر اجابت خواسته اش تواناست و پیوسته، فیض وجودش به هر کس به اندازه قابلیت و استعداد و مراعات مصلحت نظام رسیده و می رسد و از توجه به امور رعایای خود از مطیع و عاصی و عالم و جاهل و قوی و ضعیف، غفلت نکرده و نمی کند.

آن حضرت در توفیقی به شیخ مفید فرمود: پس به تحقیق، علم ما به خبرهای شما محیط است و هیچ چیز از اخبار شما و بلایی که به شما می رسد از علم ما پوشیده نیست. پس حضرت بقیة الله(عج) نسبت به همه گرفتاریها آگاه و به قدرت الهی بر رفع آن تواناست و اگر مصلحت فرد اقتضاء کند، آن گرفتاری را برطرف می نماید.

۵- صدقه دادن برای حفظ وجود آن حضرت: هر اندازه که انسان به خاطر وجود مبارک امام عصر(عج) صدقه بدهد، نشان از محبت و ارادت، نسبت به آن حضرت است و موجب نزدیکی به این خاندان می شود. چون صدقه ای که انسان می دهد، برای هر فایده و غرضی که باشد یا برای نفس خود است یا برای محبوب عزیزی که نزد او گرامی

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۳

است و اصلاح بسیاری از امور معاش و معاد وی به سلامت او بستگی دارد. برای مثال، یکی از نزدیکان شخص مریض یا مسافر صدقه می دهد به جهت سلامتی او، و خیر آن سرانجام به خودش برمی گردد، چون سلامتی فرزند باعث برطرف شدن زحمت او می شود و هیچ نفسی عزیزتر و گرامی تر از وجود مقدس امام عصر(عج) نیست، بلکه او محبوب تر از نفس خود اوست که اگر چنین نباشد معلوم می شود ایمان ایشان ضعیف است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی از شما ایمان نیاورده است، مگر اینکه من و اهل بیتم نزد او از جان و فرزند و تمام مردم محبوب تر باشد. و چگونه چنین نباشد، در حالی که وجود، حیات، دین، عقل، سلامتی و سایر نعمتهای ظاهری و باطنی تمام موجودات از پرتو آن وجود مقدس و جانشینان اوست. پس چون ناموس عصر، مدار دهر، روشنی بخش آفتاب و ماه، صاحب این قصر و بارگاه، سبب آرامی زمین و باعث گردش افلاک و رونق دنیا در این عصر حضرت حجة بن الحسن(عج) می باشد لازم است بیش از پیش برای سلامتی آن وجود مقدس، صدقه داده شود که این خود نوعی اظهار ارادت نسبت به آن حضرت است امید آنکه مورد قبول حضرتش واقع شود.

۶- دعا کردن برای آن حضرت: لازم است برای حفظ وجود مبارک امام عصر(عج) از شرور و شیاطین انسی و جنی و تعجیل ظهور ایشان و غلبه بر کافران و منافقان دعا شود که این خود نوعی اظهار بندگی و شوق و ابراز زیادتی محبت نسبت به آن حضرت است. دعاهای وارد شده از ائمه معصومین در این باره بسیار است که از آن جمله دعایی است که حضرت رضا علیه السلام امر کرد برای حضرت ولی عصر(عج) خوانده شود: «اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک ...»

این دعا در کتاب مفاتیح الجنان، باب زیارت حضرت صاحب الامر(عج) ذکر شده است. دیگری دعای زیر است که علاقمندان به حضرت مهدی(عج) آن را می خوانند:

«اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمته»

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۴

فیها طویلاً.»

مرحوم سیدبن طاووس در کتاب فلاح السائل این گونه نوشته است: وقتی که دعا کردن به برادر دینی این همه فضیلت و اجر دارد و آن قدر نسبت بدان سفارش شده است معلوم می شود که فضیلت دعا کردن برای سلطان تو چقدر خواهد بود، سلطانی که سبب وجود توست و به اعتقاد تو اگر نبود آن جناب، خداوند تو را و هیچ کس از مردم را نمی آفرید. همانا لطف وجود او سبب هر خیری است که به انسان می رسد. پس حذر کن و باز حذر کن از اینکه خود را با کسی از بندگان خدا در دعا کردن بر آنجناب مقدم داری، همچنین قلب و زبان خود را برای دعا کردن به این سلطان بلند مرتبه، حاضر کن و بپرهیز از اینکه تصور کنی که من این کلام را برای این گفتم که آن جناب نیازمند دعای ماست. پس هرگاه برای آن مولا دعا کردی، امید است خداوند به جهت آن وجود مقدس درهای اجابت دعا را برایت بگشاید.

حج، جلوه ای از جامعه مهدی موعود

۷- انجام حج به نیابت حضرت مهدی(عج): روش بزرگان، دانشمندان و صالحان از زمانهای بسیار دور چنین بوده که به نیابت از حضرت مهدی(عج)، حج به جا می آورند. این شیوه، دلیل آن است که آنان برای عمل خود دلیل و برهان روشن و مسلمی داشته اند. معمول است انسانها در مراسم سیاسی عبادی حج بعد از آنکه اعمال واجب خود را به جا آورند، سعی می کنند اعمال حج را به نیابت از طرف محبوب ترین افراد خود نیز انجام دهند، حال این نیابت یا به خاطر خویشاوندی است مانند پدر، مادر، فرزند و غیره یا به خاطر علاقه دینی و مذهبی است. چنان که در زمان ما رسم است که عده ای به نیابت از رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره) حج انجام می دهند، زیرا او از هر جهت حق بزرگی بر گردن ما دارد، از جمله پیاده کردن حکومت اسلامی و گستردن سایه عدالت اجتماعی بر سر عموم طبقات جامعه، بنابراین، حضرت مهدی(عج) که محبوبترین افراد نزد شیعیان است، از هر کسی شایسته تر است

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۵

که به نیابت از آن حضرت حج به جا آورده شود. شاید سیر این عمل آن باشد که در مراسم حج، نوعی وحدت و اتحاد بین گروهها، نژادها و مذاهب مختلف اسلامی دیده می شود و یک حالت معنوی خاصی در فضای ملکوتی آنجا حاکم است، توجه به خدا زیاد است، همه دور یک محور و یک خانه می چرخند و از یک نقطه حرکت می کنند، همه در یک زمان به سرزمین عرفات می روند، سپس در یک زمان به مشعر کوچ می کنند، همه در یک روز به یاد فداکاری و ایثار حضرت ابراهیم(ع) قربانی می کنند، خلاصه یک اتحاد و هماهنگی و توجه به خدا و همدلی خاصی در آن محیط نورانی، احساس می شود. این حالت خاص که در مراسم حج مشاهده می شود، جلوه بسیار کوچکی از جامعه ای است که حضرت مهدی(عج) آن را پی ریزی خواهد کرد. در آن جامعه، وحدت و هماهنگی بین تمام ملتها و نژادها به وجود می آید. در آن جامعه جز صفا، صداقت، پاکی و عدالت چیزی مشاهده نمی شود، در آنجا همه به فرمان یک رهبر معصوم و مصلح بزرگ هستند، همه دارای یک آیین پاک بوده دور محور حق می چرخند. بنابر این، انجام حج به نیابت از آن مصلح بزرگ علاوه بر اینکه خود نوعی اظهار ارادت و ابراز عشق نسبت به آن وجود مقدس است، نشانه انتظار تشکیل دولتی است که می تواند جامعه ای براساس احکام و دستورات الهی و بدور از بی عدالتی و ریاکاری بسازد و همه را در مسیر پرستش خدای یکتا قرار دهد.

۸- دعا برای حفظ ایمان خود در زمان غیبت چون در زمان غیبت، خطرات فراوانی مردم را احاطه می کند، لازم است که انسان ضمن توجه کامل به خداوند، با حالت تضرع و خضوع از حضرتش بخواهد که عقیده و ایمانش را از وسوسه های شیطانی و شبهات مخالفین حفظ کند، چون دشمنان اسلام همیشه منتظرند که از کوچکترین بهانه ای استفاده کرده، مردم مسلمان و دیندار را نسبت به عقاید مذهبی سست و متزلزل کنند تا تعهد آنها نسبت به دستورات دینی و احکام الهی کم شود. یکی از مصداقهای این سخن، تهاجم فرهنگی و به تعبیر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام است که با تمام توان و امکانات سعی در اجرای آن

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

دارند. از این رو، بر تمام آحاد ملت ایران از کوچک و بزرگ و زن و مرد لازم است تا با جدیت تمام، این خطر ویرانگر را دفع کنند و نسل آینده خود را از خطر نابودی حفظ نمایند.

در روایت چنین آمده است: خوب است انسان در زمان غیبت این دعا را بخواند: «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ظلت عن دینی.»

خدایا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من معرفی نکنی، پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسولت را به من بشناسان، چون اگر رسولت را به من معرفی نکنی، حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا حجت خود را به من بشناسان، چون اگر حجت خود را به من معرفی نکنی، در دینم گمراه خواهم شد.

۹- محزون و ناراحت بودن از عدم دسترسی به حضرت مهدی(عج): روشن است که حضور آن حضرت در اجتماع مسلمانان، خیر و برکت و موجب آرامش خاطر تمام بندگان صالح خداوند است و محروم شدن از این نعمت بزرگ، خود حزن و اندوه بزرگی است. شیعیان در زمان غیبت آن حضرت، بی صاحب بوده، درمانده، سرگردان و پریشان حال هستند، زیرا تبلیغات گمراه کننده بیگانگان و شبهاتی که آنها در اذهان مردم بوجود می آورند، هر انسان پاکدامنی را متأثر و ناراحت می کند.

امام جعفر صادق(ع) از اینکه شیعیان در زمان غیبت، سرگردانند و از طرف مخالفین در دل آنها شبهه ایجاد می شود اشک می ریزد و شبها به خواب نمی رود.

۱۰- برخاستن به محض شنیدن اسم مبارک آن حضرت به قصد تعظیم، بخصوص اگر لفظ «فائم» به کار رود. در بین شیعیان، معمول است که به منظور احترام و بزرگداشت مقام آن حضرت از جای خود برمی خیزند. در این رابطه روایاتی در کتابهای معتبر شیعه ثبت و ضبط است، نظیر روایت زیر:

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۷

حضرت امام رضا(ع) در یکی از مجالس خراسان حضور داشت. هنگامی که کلمه «قائم» گفته شد. آن حضرت ایستاد و دست مبارکش را بر سر نهاده فرمود:

«اللهم عجل فرجه و سهل فرجه»

این عمل در زمان امام جعفر صادق(ع) نیز معمول بود. کسی خدمت آن حضرت عرض کرد: علت چیست که مردم در موقع ذکر کلمه «قائم» قیام می کنند، ایشان در جواب فرمود: حضرت صاحب الامر(عج) غیبتی بسیار طولانی دارد و هر کس وی را به لقب «قائم» که اشاره به دولت او و اظهار تأثر نسبت به غربت اوست، یاد کند آن جناب نیز به خاطر محبت زیادی که به دوستانش دارد، نظر لطفی به او خواهد کرد. سپس چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است که به خاطر احترام ایشان به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.

عرفان زنده و مثبت امام

از محورهایی که در زندگانی امام مورد توجه بود عرفان زنده و مثبت بود. عده ای فکر می کنند که یک عارف باید به گوشه ای بنشیند و مشغول ذکر باشد و بگوید من کاری به مسائل سیاسی و اجتماعی ندارم من دارم خودم را می سازم. امام در دریای معرفت و محبت و عشق خدا شناور بود و در بطن و متن اجتماع نیز با مردم خویش بود. سرمست محبت تو هستم و در بحر محبت تو غرق شده ام. تو دستم را بگیر و بالا بیاور. تو در مناجات عشق با خدای خود چه گفته ای که غایب از نظر، اما همچنان در دل و جان جاودانه نهفته ای.

تدوین و تفسیر حکومت اسلامی و ولایت فقیه و حدود و اختیارات ولایت فقیه نیز از ویژگیهای حضرت امام بود. احیاء شخصیت زن و اینکه سهم زنان در پیشبرد اهداف انقلاب بیش از مردان است. احیاء شخصیت جوانان و حجت دادن به قوه ها و استعدادها و نیروهای نسل جوان در جهت الهی و همچنین جهت مثبت دادن به هنر و نوآوریها و خلاقیت، اینها همه فرصتها و محورهایی است که می توان روی آن کار کرد. اما در رابطه

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۸

با موضوع شناسی، من خیلی کوتاه عرض کنم یک وقت خدمت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه گفته شده بود که فتاوی شما با حضرت امام تفاوت دارد.

آیت الله گلپایگانی فرموده بودند اگر همان دید و نگرش وسیع امام را من هم داشتم فتاوی من هم مانند امام بود.

لزوم آشنایی مرجع با زندگی مردم

مرحوم علامه حلی وقتی که می خواهد نسبت به یک موضوع فقهی نظر و فتوا بدهد چاه آبی که در بیت ایشان بوده از خاک پر می کند برای اینکه نفس را از همه وابستگی ها آزاد کند و با دیدی پاک در یک فضای الهی و به دور از همه زنجیره ها فتاوی به حق بدهد. علامه امینی وقتی که از سفر هندوستان برگشتند با زندگی مردم، سیره مردم و فرهنگ و آداب و رسوم و محاورات مردم مواجه شدند. وقتی که آمدند گفتند اگر من مرجع بودم و وجوهات شرعی به دست من می رسید من وجوهات شرعی را به طلاب می دادم و به آنها می گفتم این هزینه سفر، شما سفر بکنید و جهان و انسان را بشناسید. برای اینکه یک مرجع در فتوا دادن و پیدا کردن حکم هر اندازه احاطه داشته باشد به زندگی مردم اجتماعات و محاورات مردم و الفت و انس با مردم، به همان نسبت می تواند فتاوی صحیح بدهد و در رابطه با حدود و اختیارات ولی فقیه این مطالب قابل دقت و توجه است.

در دوران قاجار، شرایط ویژه ای برای حضور مراجع و فقهای اسلام در امور سیاسی و اجتماعی، به وجود آمده بود. از سویی اندیشه نیابت عامه فقیه و نقش مجتهدین در مسأله رهبری و حکومت مطرح گردید که به فقیه اجازه می داد مستقیماً و با پشتوانه و پشتگر می مردم، تدبیر امور را عهده دار گردد و از سویی حکومت قاجاریان، در دیدگاه عالمان و فقیهان عصر، مشروع نبود و نمی توانست مورد تأیید قرار بگیرد.

مشروعیت سلطان قاجار در گرو تنفیذ ولی فقیه

در این مقطع تاریخی به نگرشی برمی خوریم که فقیه به سلطان ولایت می دهد تا در

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۷۹

امور سیاسی و اجتماعی دخالت کرده و به نیابت از مجتهد به رتق و فتق امور بپردازد. البته این طرز تفکر، پیش از آن که مشروعیتی برای سلطان باشد درحقیقت حوزه نفوذ ولایت فقیه را می رساند که مشروعیت سلطان نیز در گرو تنفیذ و امضاء ولی فقیه است. از روشن ترین مصادیق این طرز تفکر و بینش فقیه نسبت به مسائل اجرایی و سیاسی و اجتماعی و حتی نظامی، اجازه ای است که مرحوم آیه الله العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء در زمان جنگ ایران با روس به فتحعلی شاه داده است و در نامه خود به فتحعلی شاه چنین می نویسد: «در زمانی که دشمن به کشورهای اسلامی تجاوز کرده است» اگر امام(ع) غایب باشد یا ظاهر باشد، ولی گرفتن اذن جهاد از او ممکن نباشد، بر مجتهدان واجب است به جهاد دفاعی قیام کنند و مجتهد افضل مقدم است که باید خودش یا کسی که او اذنش دهد رهبری جنگ را به عهده گیرد و جایز نیست که غیر مجتهد زمام جنگ را به دست گیرد و بر مردم واجب است از مجتهدی که قیام به جهاد می کند اطاعت کنند و مخالفت با او، مخالفت با امام است و اگر مجتهد وجود ندارد، یا وجود دارد، ولی دستور گرفتن از او، و رجوع به او ممکن نیست، بر افراد بصیر و مدبری که از دقایق سیاست و رهبری جنگ آگاهی دارند، واجب کفایی است که قیام به جهاد دفاعی کنند و اگر نکنند، همه آنان گناهکار و مستحق عقابند و اگر فقط یک نفر هست که قابلیت و لیاقت رهبری جنگ را دارد، بر آن یک نفر واجب عینی است که با دشمن زشت سیرت روسیه و غیر روسیه که تجاوز کرده اند، بجنگد و چون اذن گرفتن از مجتهد، با احتیاط موافق تر و به رضای خدا و تواضع و خضوع در پیشگاه پروردگار نزدیکتر است، من اگر مجتهد هستم و قابلیت نیابت از سادات زمان (ائمہ علیهم السلام) را دارم به سلطان بن سلطان ... فتحعلی شاه ... اذن می دهم که آنچه برای هزینه جنگ و سرکوبی اهل کفر و طغیان نیاز دارد از خراج و درآمد زمینهای مفتوح العنوة و نظیر آن و نیز از زکات طلا و نقره و جو و گندم و خرما و کشمش و شتر و گاو و گوسفند بگیرد و اگر اینها خرج جنگ را تأمین نکرد و راه دیگری برای تأمین نشد، از اموال مردم دیگر که از مرز دورند به اندازه هزینه جنگ بگیرد و بر هر مسلمانی واجب است امر سلطان را (در دادن مال و اعزام نیرو) اطاعت کند.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۰

همچنین حجة الاسلام شفتی در اصفهان در نصب و عزل حاکمان دخالت می کرد و سلطان وقت توجه فراوان به این امر داشت. وی در صدور فتوا و اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، از استادش، مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی دست کمی نداشت. رساله ای در لزوم اجرای شریعت در دوران غیبت امام زمان نوشت و خود مستقیماً اجرای حدود را به عهده گرفت. [۱]

ملا احمد نراقی، از جمله فقیهانی بود که در عصر فتحعلی شاه در کاشان می زیست و حاکم و والی ستمگر و ظالم آن سامان را به خاطر ظلم و تعدیش به مردم از آن دیار بیرون راند. [۲]

یکی دیگر از چهره های درخشان والا مقامی که علماً و عملاً در عصر قاجار وارد صحنه های سیاسی اجتماعی و حتی نظامی شد، مرحوم آیت الله سید محمد مجاهد است. هنگامی که سردودمان سلسله قاجار، آغامحمدخان، به قتل رسید و ایران دچار بی نظمی و هرج و مرج شد، روس، به بهانه حمایت از سلطان گرجستان، قسمتی از قفقاز را اشغال کرد. فتحعلی شاه که در این هنگام حاکم بر ایران بود، عزم فتح دوباره گرجستان را کرد. [۳] آتش جنگ بین روس و ایران، شعله ور شد. برتری با روسها بود. از این روی مردم هراسان و بیمناک از عاقبت کار، برای حل قضیه به مرحوم آیت الله آقا سیدمحمد طباطبایی – سید مجاهد، که از علمای اعلم وقت و ساکن شهر مقدس کربلا بود، متوسل شدند و از وی خواستند که با صدور فتوای جهاد، دست روسیه متجاوز را از سر مردم کوتاه سازد. آن فقیه مجاهد نیز ضمن صدور فتوای جهاد با جماعت بسیاری از علما و طلاب و مردم متعهد، به طرف جبهه جنگ روانه شد.

البته بر اثر سوء تدبیر حکومت این جنگ به شکست انجامید و موجب تبلیغات سوء علیه علما و از جمله این فقیه عالیقدر و نستوه گردید که بر اثر این واقعه دق کرد و به لقای

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

مسأله حیات و بقای اسلام و حفظ نظام جمهوری اسلامی که در تمام مراحل مورد عنایت و توجه خاص امام بود اکنون در جایگاه فقاهت و ولایت رهبر بزرگوار ما حضرت آیت الله خامنه ای قرار گرفته است که با همان دید زنده، با همان عرفان و با همان روشن نگری و با همان ویژگیهایی که در حضرت امام بود در ایشان و وجودشان به تجلی درآمده است و خداوند ایشان را حفظ کند و مردم را در مسیر ایشان و در هر زمان در تجدید عهد و میثاق با رهبر معظم انقلاب موفق بدارد.

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۲

- «امل الآمل»، ج ۲، ص ۲۰۵.

- «همان مدرک.»

- «امل الآمال»، ج ۲، ص ۲۵۰.

نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی

نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی

دکتر قرا ملکی

باسمه تعالی

خرد هر کجا گنجی آرد پدید

ز نام خدا سازد آنرا کلید

خدای خردبخش بخرد نواز

همان ناخردمند را چاره ساز

حمد و سپاس خداوندی را که به نور وحی، ما را از ظلمات کفر و ستم به روشنایی هدایت و آزادی آورد و صلوات و درود بر انبیاء عظام و اولیاء گرام. و با عرض سلام به روح خداوندی در کالبد زمان، منجی اجسام زندانی در ظلمات دنیایی و مخرج امت مسلمان از ظلمات جهل به نور کمال، حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، گفتار مختصر خویش در باب نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی را به حضار ارجمند و امت امام تقدیم می کنم و ثواب اخروی آن را به روح پاک شهدای راه حق و فضیلت به ویژه شهدای مظلوم انقلاب اسلامی هدیه می نمایم.

گفتار مشتمل بر چهار فصل است [۱]: فصل اول در بیان جایگاه خاص مراکز آموزشی در رهنمودهای حضرت امام(ره). فصل دوم در بیان اینکه آموزش و پرورش در دیدگاه حضرت امام به منزله یک فرآیند است. فصل سوم در ابعاد مختلف نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی، فصل چهارم در بیان توصیه های کلیدی امام در بهینه سازی

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۳

نهاد آموزش و پرورش.

الف - جایگاه خاص مراکز آموزشی در رهنمودهای حضرت امام(ره)

حضرت امام خمینی(ره) با بصیرت پیامبرانه خویش همه ارگانها و نهادهای اجتماعی کشور، اعم از نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ... را مشفقانه مورد راهنمایی و هدایت نورانی خویش قرار می دادند. اما، در این میان نهاد مهم آموزشی که هرگز نباید از عنصر تزکیه و تربیت خالی باشد، در کلام ایشان جایگاه ویژه ای دارد. سیری هر چند اجمالی، در آثار مکتوب و کلام حضرت امام(ره) نشان می دهد که نهاد آموزش و پرورش به معنای عام کلمه و به ویژه مراکز آموزشی کشور، از سایر نهادهای اجتماعی به لحاظ اهمیت تمایز اساسی دارد.

برای تأیید سخن می توان به این نکته اشاره کرد که رهنمودهای ایشان در خصوص نهاد آموزش و پرورش محدود به دیدارهایی نیست که مسئولین این نهاد با حضرت ایشان داشته اند و نیز منحصر به ایام و مناسبتهای ویژه مربوط به مراکز آموزشی (مانند سیزده آبان، شانزده آذر، هفته معلم و ...) نیست بلکه حضرت امام، در موارد متعدد از آثار مکتوب مانند کشف الاسرار و چهل حدیث و در مواضع مختلف از پیام و کلام خویش در تأکید بر اهمیت و نقش مراکز آموزش و رهنمود در این زمینه فروگذار نشده اند. به همین جهت است که در پیام بسیار مهم ایشان به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۲) و نیز در وصیت نامه الهی سیاسی ایشان، نهاد آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین محورهای مورد تأکید، طرح شده است. این مسأله ظاهراً، خاص مسائل فرهنگی به ویژه مراکز آموزشی است، سایر نهادهای اجتماعی، غالباً در ایام و مناسبتهای خاص خود از رهنمودهای امام(ره) بهره مند می شدند، در حالی که رهنمودهای خطاب به مراکز آموزش و پرورش، به زمان خاص و یا مناسبت و موقعیت ویژه ای منحصر نیست. در بیانات امام راحل در جمع اعضای ستاد

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۴

انقلاب فرهنگی (۲۳ / ۳ / ۱۳۶۰) با همین مسأله (جایگاه خاص مراکز آموزشی در پیام و کلام امام) مواجه هستیم:

«من با اینکه در روز شنبه بنای صحبت نبوده است و نداشته ام ولکن برای اینکه آقایان دانشگاهی هستند و دنبال مسائل دانشگاهی و انقلاب فرهنگی صحبت کردند، من هم به سهم خودم چند کلمه ای عرض کنم.» [۲]

ب - آموزش و پرورش به منزله یک فرآیند

یکی از بارزترین نکاتی که از کلام نورانی حضرت امام درباره نهادهای آموزشی به دست می آید، این است که مراکز آموزشی در دیدگاه امام راحل(ره) به منزله یک فرآیند (Process) مطرح است. حقیقتی که امروزه در پرتو تحقیقات وسیع روانشناسان آموزش و پرورش قابل فهم تر است. [۳] به عبارتی روشن تر، نهاد آموزش و پرورش از نظر حضرت امام(ره) مهمترین رکن حیات فرهنگی و مؤثرترین عامل رشد اجتماعی است. هیچ عنصری از پدیدارهای اجتماعی بی تأثیر از آثار سازنده و یا مخرب مراکز آموزشی نیست. نقش مراکز آموزشی در حیات جامعه از نظر امام(ره) در حدی از دقت ترسیم شده است که تصریح می فرماید: «دانشگاه یک کشوری اگر اصلاح بشود، آن کشور اصلاح می شود و با انحراف دانشگاه کشور منحرف می شود.» [۴]

حضرت امام(ره) به همین دلیل، در مقام انتقاد از وضعیت اجتماعی آسف بار دوره ستم شاهی بر این نکته تأکید دارند که فساد جامعه در آن دوران از طریق تباہ کردن

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۵

دانشگاهها و مدارس انجام شد:

«همان طور که آنها انگشت روی دانشگاه می گذاشتند و با تمام قدرت دنبال این بودند که دانشگاه را به دست خودشان بیاورند.» [۵]

از جهت آسیب شناسی فرهنگی، قابل تأمل است که حضرت امام(ره) در بیاناتی که پس از فاجعه کشتار نوزدهم دی سال پنجاه و شش داشته اند، بر انحطاط دانشگاه توسط زمامداران حکومت ستم شاهی به منزله عامل اساسی انحطاط جامعه تأکید کرده اند:

«اگر دانشگاه ما یک دانشگاه صحیح استقلالی بود، مستقل بود، و اشخاصی که در آنجا (اگر صالحی هم در آنجا باشد) می توانستند که کاری را که می خواهند و صلاح است انجام بدهند، روزگار مملکت ما به اینجا نمی رسید. و به بدتر از این به نسل آتی شاید خدای نخواستہ بشود. دانشگاه ما را اشخاصی قبضه کردند که اینها خودشان انگل هستند و خودشان استعماری هستند ...» [۶]

به زبان تمثیلی، اگر جامعه را مانند ارگانیزم بدانیم، نهاد آموزش و پرورش به منزله قلب آن است و پویایی و سلامت سایر اعضا و جوارح به پویایی و سلامت آن وابسته است. به همین دلیل است که امام راحل می فرماید: «دانشگاه در رأس امور است و تقدیرات یک کشوری مقدرات یک کشوری بسته به وجود آن است.» [۷]

حضرت امام قدس سره با صریح ترین بیان، نقش حیاتی مراکز آموزشی را تبیین فرموده اند بیانی که در خصوص سایر نهادهای اجتماعی با آن مواجه نیستیم: «آنچه که دانشگاه در یک کشوری نقش دارد، از امور مهمه ای است و نقش بزرگی دارد که این نقش بزرگ را اگر ایفا کند، به طور صحیح ایفا کند، کشور را به مقصد اعلاء خودش می رساند.» [۸]

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۶

ج - ابعاد گوناگون نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی

سرّ این همه تأکید بر اهمیت نهاد آموزش و پرورش در جامعه، این است که تأثیر مراکز آموزشی و تربیتی در ارتقاء فرهنگ عمومی اضلاع و ابعاد گوناگونی دارد. غالب ساده انگاران در تحلیل مطالب تنها به آثار مستقیم این نهاد توجه دارند: مراکز آموزشی تربیت کننده آینده سازان هستند و رقم زندگان تفکر و فرهنگ جامعه. اما آنچه در کلام و پیام امام راحل اهمیت می یابد، ابعاد دیگر تأثیر است که غالباً غیرمستقیم، تدریجی و ناپیدا هستند.

مهمترین بُعد تأثیر مراکز آموزشی، نقش الگویی آنهاست. توده مردم با غریزه فطری خویش اهل علم را ارج می نهند و برای تحصیل کردگان و دانشمندان منزلت خاصی قائلند به گونه ای که خواسته و ناخواسته از آنها تأثر می پذیرند. این امر در خصوص مراکز آموزشی با شدت و پیچیدگی بیشتری صدق می کند. دانشجو بیش از آنکه نکته ای علمی را از استاد اخذ کند و پیش از آنکه تحقیقی نظری را از معلم اقتباس کند، خلق و خوی و منش و فرهنگ او را می پذیرد. به گونه ای که به تعبیر حضرت امام معلم غیر مذهب اگر هم درس اخلاق بدهد، تأثیر سوء اخلاقی خواهد داشت. اگر معلمین و اساتید مذهب باشند، دانشگاه اصلاح می شود و اگر مراکز آموزشی اصلاح شود، جامعه رستگار می گردد:

«همه معلمین در فکر این باشند که خودشان را تهذیب کنند. باید خود را مهذب کنند تا حرفشان در دیگران اثر کند معلمین و همه کسانی که در شغل معلمی بسر می برند باید بدانند که شغلشان بسیار مهم است. باید توجه کنند که بچه ها را از ابتدا خوب بار بیاورند که دانشگاه دیر است. معلمین باید احساس کنند که پیش خدا مسئول اند، اگر بچه ها بد تربیت بشوند اینها هم مسئولند اگر در این مورد من و شما هم سکوت کنیم، مسئولیم.» [۹]

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۷

این امر، در جهت تخریبی هم صدق می کند: انحراف در جامعه علمی و انحطاط در اخلاق معلمین آغاز انحطاط اخلاقی و فرهنگی کشور است. به همین جهت یکی از رهنمودهای کلیدی حضرت امام، برخورد قاطع و بدون مسامحه است با کسانی که به دلیل تربیت های غیر دینی و یا غرض ورزی ها در کمین آن نشسته اند تا ذهن و روان دانشجو را به انحراف بکشانند: «حتی اگر یک استاد هم منحرف باشد، ممکن است اثرش برای یک کشور چشمگیر باشد و جمعی از جوانان را منحرف کند و در دراز مدت یک غائله ای بزرگ درست شود.» [۱۰]

به دلیل نقش کلیدی و تأثیر گذاری الگویی معلم در جامعه است که هر گونه تسامحی در اخلاق معلمان، تسامح در اخلاق جامعه است. به همین جهت است که حضرت امام قدس سره به عنوان پدری دلسوز فقیهی اسلام شناس و رهبری مشفق با تأکید تمام مسئولین را از تسامح در این باب برحذر می فرماید:

«باید سعی کنیم تا کسانی را که فرزندان ما را فاسد بار می آورند به مدارس و دانشگاهها وارد نشوند و در این امر مسامحه نباید کرد. ممکن است الان کاری نتوانند بکنند ولی تا ده سال دیگر کارشان را انجام می دهند.» [۱۱]

در میحث توصیه های حضرت امام در این باب به تفصیل سخن خواهیم گفت و نشان خواهیم داد که بر مسأله اخلاق معلمی که نزد محققین و پژوهشگران مسائل اخلاقی به صورت اسف باری مغفول عه واقع شده است، تا چه اندازه ای مورد تاکید حضرت امام (ره) بوده است.

بیان حضرت امام از جهت دیگری نیز قابل تأمل است: در مدیریت آموزشی غالباً دو نظریه اصالت فرد و اصالت جمع مورد نزاع واقع می شود. از کلام امام می توان برداشت

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۸

کرد که در مقام داوری بین این دو نظریه باید بین مقام اصلاح و مقام تخریب تمایز قائل شد. اخلال و تخریب در نظام آموزشی و در نتیجه تباه ساختن فرهنگ عمومی کشور با اصالت فرد نیز قابل تفسیر است. «حتی اگر یک استاد هم منحرف باشد...»

اشاره به همین حقیقت دارد. بنابراین، نباید به دلیل اصالت جمع نگرستن در مدیریت آموزشی، بر چنین انحرافهای فردگرایانه بی توجه بود.

ابعاد مختلف نقش نهاد آموزش و پرورش در جامعه، در این کلمه قصار حکیمانه حضرت امام که امروزه به صورت شعار مقدس و زیبای معلمین (از آموزگار گرفته تا استاد دانشگاه) درآمده است، تجلی دارد:

«معلمی شغل انبیاء است». بیان حضرت امام در اینجا. بیان بسیار ظریفی است. اگر بخواهیم مدلی ارائه دهیم که ابعاد مختلف نقش معلم را تبیین کند، کاملترین و گویاترین آنها، نبوت خواهد بود. جایگاه معلم در جامعه و نقش او، مانند جایگاه انبیاء است. اگر بخواهیم برای نبوت نیز مدلی ارائه کنیم، سخن حضرت امام تفسیر روشنی خواهد داشت و برای تبیین ابعاد مختلف نقش نبی در جامعه از چه مدلی می توان استفاده کرد؟

آیا نبی چوپان است و امت رمه و وحی ابزار چوپان؟

آیا نبی سلطان است و امت شهروند و وحی قانون اساسی؟

آیا نبی طبیب است و امت مریض (بالقوه و یا بالفعل) و وحی داروی درمان و یا پیش گیر؟

آیا نبی مادری است مهربان و امت فرزندی است نونهال و وحی تغذیه کودک؟

آیات قرآن کریم مبین این حقیقت است که گویاترین مدل برای تفسیر نبوت این است که بگوئیم: نبی سراج روشنی است و امت چشمانی هستند محتاج روشنایی و وحی نور است. [۱۲]

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۸۹

بنابراین می توان گفت همان گونه که انبیاء سراج منیر هستند، معلمین نیز نقش روشنگری و نورافکنی دارند و این نقش غالباً به صورت ناپیدا عمل می کند.

توصیه های کلیدی حضرت امام در جهت بخشی به نقش مراکز آموزشی

توصیه هایی که حضرت امام قدس سره در مواضع متعدد برای اصلاح و هدایت و جهت یابی مراکز آموزشی از چند جهت حائز اهمیت است. اولاً از جهت کاربردی که گرانبهاترین یادگار حضرت امام برای مسئولین این نهاد است. ثانیاً از جهت شناخت اهمیت و ابعاد نقش نهاد آموزش و پرورش ثالثاً از جهت اینکه، همین توصیه ها از

مهمترین عناصر و عوامل ارتقاء فرهنگ عمومی جامعه است. به اجمال اهم توصیه های حضرت امام را گزارش می کنیم:

یک - «دانشگاه را درستش کنید. دانشگاه را اسلامی اش کنید.» مهمترین توصیه امام، همین نکته است: اسلامی کردن دانشگاه. «مگر می شود با دانشگاه اسلامی، اسلام را شکست داد.»

مراد از اسلامی کردن در درجه اول به روح دانشگاهها مربوط است. آرمانها، اهداف و خلق و خوی دانشگاهها باید اسلامی گردد. امروز ما دانشگاهیان باید عوامل اصلاح و یا افساد اخلاق در جامعه علمی را بشناسیم حضرت امام در مواضع مختلفی بر اخلاق اهل علم تأکید کرده اند. متأسفانه امروزه معرفت مستقلی و مدوئی به نام اخلاق معلمی نداریم. بر پژوهشگران علم اخلاق است که در این باب سعی خود را بذل کنند. امام قدس سره در کتاب شریف چهل حدیث در ذیل حدیث هشتم به یکی از آسیب های مخرب اخلاق معلمی یعنی «عصبیت در اهل علم»، اشاره کرده و می فرماید:

«... پس بر اهل علم خیلی لازم است که این مقالات را حفظ کنند و خود را کاملاً از این مفاسد، پاک کنند تا هم اصلاح آنها شود و هم اصلاح جامعه را کرده ... فساد عالم

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۰

موجب فساد امت شود" [۱۳]

دو - جامعه اسلامی، جامعه ای است که با شتاب تمام در جهت کمال و تعالی در

تحول مستمر است. مراکز آموزشی باید با این تحول هماهنگ باشد. به همین دلیل، حضرت امام خمینی(ره) در عید سعید قربان بر این نکته تأکید کرده اند که دانشگاه باید هماهنگ با تحول همه جانبه ای که به برکت انقلاب اسلامی به وجود آمده است متحول باشد. [۱۴]

سه - استقلال شخصیتی امت و عدم وابستگی جامعه اسلامی معلول استقلال جامعه علمی است به همین جهت حضرت امام دانشگاه مطلوب را دانشگاه مستقل می دانند. [۱۵]

چهار - علاوه بر استقلال، محیط علم باید محیط آزاد باشد. [۱۶] این توصیه حضرت امام، هم شامل آزادی جامعه علمی از جبر بیرون می شود و هم شامل آزادی عالمان در درون خویش و رهایی از اسارت‌های درونی، دگم‌های نقابدار روانی می باشد.

پنج - طبیعی ترین توقع از دانشگاه در جامعه اسلامی، تربیت اسلامی است. در باب این کارکرد اصلی مراکز آموزشی توجه به چند دیدگاه حضرت امام ره گشا است:

۱ - تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا هیچ ملاحظه از کسی نکند. [۱۷]

۲ - در صدد این باشید که منحرفین را اصلاح کنید و نه راضی کنید. [۱۸] این نکته بسیار

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۱

مهمی است که حضرت امام بر آن تأکید دارند. متأسفانه برخی از مراکز آموزشی به دلیل ضعف مدیریت راضی نگه داشتن جای ارایه طرح‌های اصلاحی و تربیتی را گرفته است. و این یکی از آفت‌های مهلک در فرهنگ جامعه می تواند باشد.

۳ - حضرت امام روش اصلاح انحرافات از طریق مراکز آموزشی را با این جمله بیان

کرده اند. انحرافات را با نور هدایت اصلاح کنید. [۱۹] قبلاً اشاره شد که مفاد جمله معروف حضرت امام که معلمی شغل انبیاء است به معنای سراج منیر بودن آنهاست.

۴ - همچنین می فرمایند: "با محبت می شود منحرفها را مستقیم کرد. [۲۰] زیرا" در

مسائل، ملایمت و جهت رحمت بیشتر از خشونت تأثیر می کند. [۲۱]

شش - حضرت امام(ره) به منزله یک عامل مهم در تحول هماهنگ دانشگاه با تکامل جامعه اسلامی توصیه کرده اند که "باید در دانشگاه همانطوری که علوم مادی تدریس می شود، علوم معنوی نیز تدریس بشود." [۲۲] از نظر ایشان تدریس چنین درسی باید "به دست اشخاصی باشد که بدانند تربیت اسلامی یعنی چه و بدانند اسلام چه هست ... متخصص لازم است." [۲۳]

هفت- مراکز آموزشی، ظاهر دارند و باطنی، اصلاح ظاهر اگر شرط لازم تحول دانشگاهها است اما به هیچ وجه کافی نیست. اگر دانشگاه باطن بارور و آکنده از ایمان

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۲

نداشته باشد، چنین دانشگاهی به هر گونه ظاهری که آراسته باشد، در عمل موجب گمراهی و تباهی فرهنگ جامعه است. آن چیزی که ملت را می سازد، فرهنگ صحیح است. " آن چیزی که دانشگاه را بارور می کند که برای ملت مفید است، برای کشور مفید است، آن عبارت از آن محتوی دانشگاه است نه درس است. صنعت ما عداوی ایمان فساد می آورد. علم ما عداوی ایمان فساد می آورد." [۲۴]

بنابراین باید به این نکته مهم توجه کنیم که صرفاً تدریس معارف اسلامی در دانشگاهها، مشکل را حل نمی کند اگر تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی توأم با ایمان نباشد و صرفاً به صورت واحدهایی طرح بشود که مدرس را از تدریس آنها حق التدریس حاصل می گردد و دانشجوی را ارتقایی در مدرک، این همان است که امام می فرماید علم ما عداوی ایمان فساد می آورد، اگر چه علم توحید و یا علم اخلاق باشد.

مولوی در مثنوی داستان نیکویی را مطرح کرده است که متضمن همین نکته است داستان پادشاهی در جهودان که دشمن عیسی بود و نصرانی گداز و به بهانه این که پناه دین موسی هستم صد هزاران مؤمن مظلوم را از دم تیغ گذرانید. وی وزیر مکار نیرنگ سازی داشت که گفت دین از مقوله ای نیست که با شمشیر بتوان با آن مبارزه کرد:

گفت ترسایان پناه جان کنند دین خود را از ملک پنهان کنند

کم گش ایشان را که کشتن سود نیست دین ندارد بوی مشک و عود نیست

وزیر مکار به پادشاه جبار آموخت که ایمان را با شمشیر نمی توان از بین برد بلکه ایمان را با تبلیغ و ترویج (در ظاهر) و توأم با نفاق و بی اعتقادی (در باطن) می توان تباه کرد. وی پیشنهاد کرد که پادشاه گوش و دست و بینی وی را ببرد و به اعدام محکوم کند و به نصرانی بودن متهم سازد و چون وزیر از دست پادشاه فرار کند، عیسویان به او دل

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۳

می بندد و او را قطب خویش می کنند و چون گرد او آیند و او تبلیغ دین عیسی کند، این تبلیغ مبتنی بر نفاق، دین عیسی را تباه خواهد کرد:

ناصرح دین گشته آن کافر وزیر کرده او از مکر او زینه سیر

نکته ها می گفت او آمیخته در جلاب قند زهری ریخته

ظواهرش می گفت در ره چست شو وز اثر می گفت جان را شست و شو

این بیت مثنوی از نظر روانشناسی و جامعه شناسی آموزش و پرورش یکی از شاهکارهای مولوی است درس معارف و اخلاق اسلامی اگر توأم با ایمان، خلوص و تهذیب نباشید، علی رغم ظواهرش که تحریک بر تهذیب و ایمان است در عمل اثری جز سُستی قدم و ناتوانی نفس در مقام تهذیب نخواهد بود.

هشت - توصیه هشتم در خصوص اعتماد به نفس و استغناء است که مهمترین ممیزها رشد و تعالی جامعه است و این چیزی است که دانشگاه و مراکز آموزشی آن را به فرهنگ عمومی می دهد. بنابراین مراکز آموزشی، پیش از همه باید به این خودباوری برسند که

می توانند، به تعبیر حضرت امام(ره)». به خواست خداوند تعالی در سایه کوشش و به کار انداختن افکار عالیه خود و اعتماد به نفس احتیاج علمی دانشجویان عزیز را آن گونه برآورند که از رفتن به خارج مستغنی شوند و این امری است شدنی.» [۲۵]

توصیه های حضرت امام به نحو اجمالی مورد تحلیل روانشناختی قرار می دهیم تا روشن شود که حضرت امام براساس چه مبانی و از چه منظری به مسأله مراکز آموزشی نظر می کنند. برونر از متخصصان روانشناسی آموزش و پرورش معتقد است: «آموزش موضوعی به فرد به معنای انبار کردن نتایج در مغز او نیست، بلکه آموختن این نکته است که با شرکت در این فرآیند استقراء دانش امکان پذیر است. آموزش یک موضوع برای این نیست که کتابخانه زنده کوچکی از موضوع درست کنیم. بلکه برای این است که

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۴

دانش آموز برای خود تفکر منطقی پیدا کند و موضوعات را مانند یک مورخ بررسی کند و در جریان کسب دانش شرکت داشته باشد. یک فرآیند است و نه نتیجه. [۲۶]

امروزه متخصصان آموزش و پرورش به این نتیجه رسیده اند که مراکز آموزشی باید خلاقیت و آفرینندگی را هدف خود قرار دهند. غالب این متخصصان در عصر حاضر، مراکز آموزشی مغرب زمین را مورد انتقاد جدی قرار داده اند: «یک نیاز مبرم اجتماعی جهت ایجاد رفتار آفریننده برای آفریننده وجود دارد. بسیاری از انتقادهای جدی درباره فرهنگ ما و جریانهای مربوط به آن را می توان به بهترین وجهی از لحاظ کمیابی آفرینندگی فرمول بندی کرد.» [۲۷]

مقایسه توصیه های حضرت امام و به طور کلی دیدگاه ایشان در خصوص مراکز آموزشی با آنچه منتقدین نظامهای آموزشی مغرب زمین در این باب گفته اند، به خوبی نشان می دهد که حضرت امام با دریافت الهام آمیز خویش از آینده مراکز آموزشی مقلد از مغرب زمین، سعی داشته اند مراکز آموزشی را از همه آن خطرات و نقصانها نجات دهند. از جمله می توان انتقادهایی که حضرت امام در حدود سی الی بیست سال پیش از مراکز دانشگاهی ایران داشته اند را با انتقادهایی که امروزه متخصصان مراکز آموزشی از نظامهای آموزشی مغرب زمین دارند [۲۸]، مقایسه کرد. راجرز می گوید:

«پاره ای از این کمبودها به اختصار چنین هستند: گرایش ما در آموزش و پرورش، تبدیل افراد به اشخاص هم رنگ متجری است که تحصیلاتشان تکمیل شده است نه افرادی که دارای آفرینندگی آزاد بوده و یا اندیشمندانی اصیل باشند» وی در ارتباط همین

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۵

مسأله با فرهنگ عمومی تأکید می کند:

چنانچه انسان با همان سرعتی که علوم می توانند محیط را دگرگون می سازند، سازگاریهای نوین و اصیل را ایجاد کنند، فرهنگ ما نابود خواهد شد. افزون بر ناسازگاریهای فردی و تنشهای اجتماعی، نابودی بین المللی نیز بهایی خواهد بود که برای نبود آفرینندگی خواهیم پرداخت. [۲۹]

اختتام سخن

آنچه بیان شد، برداشتی از سیره نظری یعنی آثار مکتوب، پیامها و کلام حضرت امام خمینی قدس سره القدسی است در اهمیت و نقش مراکز آموزشی در ارتقاء فرهنگ عمومی و نکاتی از توصیه های حضرت امام در بهبود چگونگی آن. آنچه گفتنی است هماهنگی سیره عملی ایشان است. حضرت امام در عمل، با اعتقاد به اینکه تحول جامعه مرهون تحول مراکز آموزشی است، خود به روش پیامبر تحول اجتماعی را از پی ریزی تعلیم و تربیت راستین آغاز کرد. ابتدا با تربیت و تعلیم شاگردانی توانست برای حوزه های علمیه و دانشگاهها اساتید فاضل و مهذب تربیت کند و از این طریق حوزه های علمیه و آنگاه جامعه اسلامی را به لحاظ فرهنگی متحول سازد انقلاب اسلامی ایران در واقع محصول همین انقلاب فرهنگی است که حضرت امام در طول بیست سال تلاش مستمر، به تدریج ایجاد کرد. روحش شاد و راهش مستدام و پر رهرو باد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

کتابمجموعه مقالات پنجمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی(س)

ذخیره

نسخه چاپی

ارسال به دوستان

Facebook

Twitter

Google+

تلگرام

صفحه ۲۹۶

- بدون تردید، این بحث نیازمند طرح دو سؤال اساسی است: نهاد آموزش و پرورش چیست؟ و مراد از فرهنگ چیست؟ ولی به دلیل اختصار از طرح آن دو صرف شده است.

- دیدگاهها و رهنمودهای امام خمینی قدس سره درباره مسائل فرهنگی، ص ۱۶۸

- در این زمینه مراجعه شود به مقاله پر سود راجر رایسینگ متخصص آموزش و پرورش هندوستان. در:

- بیانات امام در جمع هیئت امنای روسای دانشکده های دانشگاه ملی (۲۲ / ۹ / ۶۰)

- دیدگاهها و رهنمودهای امام خمینی(ره) در باره مسائل فرهنگی، ص ۱۶۹.

- دیدگاهها و رهنمودهای امام خمینی(ره) درباره مسائل فرهنگی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

- بیانات امام در جمع گروهی از کارکنان صنایع دفاع ملی (۲۶ / ۱۰ / ۱۳۶۱)

- بیانات امام در جمع گروهی از دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت انجمنهای اسلامی دانشجویان سراسر کشور (۶ / ۹ / ۶۱).

- بیانات امام در جمع مسئولین آموزش و پرورش ... (۲۸ / ۱۰ / ۶۳)

- بیانات امام در جمع هیئت امناء روسای دانشکده های دانشگاه ملی و ... (۲۲ / ۹ / ۶۰)

- بیانات امام در جمع مسئولین آموزش و پرورش (۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۳)

- تفصیل این نکته را مراجعه کنید به: قراملکی، دروس کلام عالی، دانشگاه امام صادق، ۷۲، ۱۳۷۲.

- حضرت امام خمینی، چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۳۱

- رجوع کنید به بیانات امام در جمع رؤسای مجلس شورای اسلامی و دیوان عالی کشور- ۵ / ۶ / ۱۳۶۴

-دیدگاههای فرهنگی امام، ص ۱۵۵

-دیدگاههای فرهنگی امام، ص ۱۵۵

- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۲، ص ۷۰۹

- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۲، ص ۷۱۲

- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ص ۷۱۳

- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ص ۷۱۴

- اخلاق کارگزاران در کلام و پیام امام خمینی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ص ۷۱۵

-بیانات امام در جمع ستاد برگزاری نماز جمعه تهران ۱۸ / ۹ / ۶۰

-بیانات امام در جمع ستاد برگزاری نماز جمعه تهران ۱۸ / ۹ / ۶۰

- بیانات امام در دیدار با فرماندهان سرپرست مربیان و ... ۲۸ / ۹ / ۶۱

- پیام امام خمینی ره) به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ / ۱۱ / ۶۲

- see: Robert Biehler,, Psychology Applied to Leaching, thoughton MiffinComay ,۱۹۵۴

- کارل راجرز، درآمدی بر انسان شدن، ترجمه قاسم قاضی، ۳۷۱

-برای آشنایی با اهم این انتقاد ما از جمله مراجعه کنید به ارگان سازمان بین المللی پژوهشی یونسکو IBKO NEWS, VOLUME ۱۹۹۵ NUMBER ۱ ۲۳

-کارل راجرز، درآمدی بر انسان شدن، ترجمه قاسم قاضی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ص ۳۷۱-۳۷۲